فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری، سال ۱۴، دوره ۱۴، شماره سی‌وسوم، بهار ۱۴۰۵ (صص ۱۲۰-۹۱)

تحلیل کتاب‌سنجی روند جهانی مطالعات مدیریت میراث با رویکرد شناسایی خلأهای پژوهشی در ایران

پرویز پورکریمی[۱]، استادیار گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
اکبر پورفرج[۲]، دانشیار، گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۴/۲

چکیده

مدیریت میراث به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای، بر بـه کـارگیری نظام‌منـد رویکردهـای مـدیریتی، سیاسـت‌گذاری و حکمرانـی در حفاظـت، بهره‌برداری و ارزش‌آفرینی پایدار منابع فرهنگی و تاریخی، تمرکز دارد. گسترش این حوزه در سطح جهانی، ضرورت تحلیل نظام‌مند روندهای پژوهشی و شناسایی محورهای غالب و مغفول، به‌ویژه در کشورهایی با ظرفیت بالای میراث فرهنگی مانند ایران را برجسته می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل کتاب‌سنجی روندهای جهانی مطالعات مدیریت میراث و شناسایی خلأهای پژوهشی مرتبط با ایران انجام شده است. این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر رویکرد کتاب‌سنجی است. داده‌های اصلی پژوهش از پایگاه *اسکوپوس* و از طریـق جسـتجوی کلیدواژهٔ «مدیریت میراث» در عنوان اسناد، در بازهٔ زمانی آغاز نمایه‌سازی این پایگاه تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۵ استخراج شد. پس از پالایش داده‌ها، ۶۲۹ سند علمی انگلیسی‌زبان با استفاده از نرم‌افزار *وُس‌ویوِر* تحلیل و مصورسازی شد. تحلیل‌ها شامل بررسی روند زمانی تولید دانش، توزیع انواع اسناد، حوزه‌های موضوعی، کشورهای فعال، نویسندگان پرکار، مقالات پراسـتناد، هم‌آینـدی واژگـان کلیـدی، شـبکه همکـاری علمـی نویسندگان و کشورها و هم‌استنادی منابع و مجلات بود. نتایج نشان می‌دهد که مطالعات مدیریت میراث در سطح جهانی بر محورهایی چون حکمرانی یکپارچه، مشارکت جوامع محلی، توسعه پایدار، گردشگری فرهنگی، مدیریت ریسک و فناوری‌های دیجیتال، متمرکز است. همچنین، شبکه‌های همکاری علمی با محوریت برخی کشورهای اروپایی نقش مهمی در جهت‌دهی جریان دانش در این حوزه دارند. در مقابل، شواهد بررسی شده درباره ایران حاکی از فاصلهٔ قابل‌توجه با برخی جریان‌های غالب جهانی است؛ به‌گونه‌ای که رویکردهای حفاظت‌محور، محدودیت در سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، کمبود الگوهای مشارکتی و پیوند نسبتاً ضعیف میان مدیریت میراث و توسعه پایدار در ادبیات پژوهشی مرتبط با ایران برجسته است. یافته‌ها بر ضرورت بازنگری در جهت‌گیری مطالعات مدیریت میراث ایران تأکید کرده، می‌تواند مبنـایی بـرای هدایت پژوهش‌های آینده و تدوین راهبردهای مدیریتی و سیاستی مؤثر فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت میراث، کتاب‌سنجی، روندهای جهانی، خلأهای پژوهشی، ایران

۱. نویسنده مسئول p.purkarimi@atu.ac.ir.
2. a.pourfaraj@atu.ac.ir

مقدمه

میراث، مفهومی چندلایه است که طیفی از عناصر فرهنگی و طبیعی، از بناها و محوطه‌های تاریخی تا سنت‌ها، آیین‌ها، دانش‌های بومی و شیوه‌های زیست انسانی را در بر می‌گیرد (اومایو[1] و همکاران، ۲۰۲۱). این مفهوم به آنچه از گذشته به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود، اشاره دارد و می‌تواند در قالب عناصر مادی، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی بروز یابد (توحیدی، ۱۳۸۸؛ صمدی رندی، ۱۳۸۳؛ حجت، ۱۳۸۰). در رویکردهای معاصر، میراث پدیده‌ای ثابت نیست، بلکه «کاربرد معاصر گذشته» است؛ یعنی در بستر زمان حال، تفسیر، بازنمایی و بازتعریف می‌شود (تیموثی[2]، ۲۰۱۱). از این رو، اهمیت میراث تنها به ارزش تاریخی یا زیبایی‌شناختی آن محدود نیست، بلکه به نقش آن در هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی و توسعه پایدار نیز مربوط می‌شود (دروماند و یمان[3]، ۲۰۰۱؛ اسمیت[4]، ۲۰۰۳؛ اومایو و همکاران، ۲۰۲۱). گسترش دامنه میراث از آثار منفرد تاریخی به میراث ملموس و ناملموس، مناظر فرهنگی، میراث صنعتی و دانش‌های بومی نیز مدیریت میراث را به حوزه‌ای پیچیده و میان‌رشته‌ای تبدیل کرده است؛ حوزه‌ای که در آن حفاظت، بهره‌برداری پایدار، حکمرانی، مشارکت ذی‌نفعان و توسعه فرهنگی ـ اقتصادی، به‌طور هم‌زمان مطرح می‌شوند (ژانگ[5] و همکاران، ۲۰۲۴؛ پیسُلکار[6]، ۲۰۲۴؛ خانعلی و همکاران، ۱۴۰۴؛ لیورانتسایته و یورِنیه‌نه[7]، ۲۰۲۵).

در همین راستا، مدیریت میراث به‌عنوان فرآیندی برای برنامه‌ریزی راهبردی، سیاست‌گذاری، حفاظت، بهره‌برداری پایدار، تفسیر و انتقال ارزش‌های میراث به نسل‌های آینده، تعریف می‌شود (گوما[8]، ۲۰۲۲؛ یونسکو[9]، ۲۰۱۳). این رویکرد، بیانگرِ گذار از الگوهای سنتیِ حفاظت‌محور به مدل‌های مدیریتی یکپارچه، مشارکتی و آینده‌نگر است (پیسُلکار، ۲۰۲۴). با این حال جهانی‌شدن، شهرنشینی شتاب‌زده، گردشگری انبوه، تغییرات اقلیمی، محدودیت منابع مالی و انسانی و تحولات سریع فناورانه، مدیریت میراث را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده‌اند و ضرورت اتکا به دانش علمی، داده‌های معتبر و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد را افزایش داده‌اند (اوگونگ[10]، ۲۰۲۴؛ بیر و بوگارد[11]، ۲۰۱۷). هم‌زمان، فناوری‌های دیجیتال مانند سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی، مستندسازی سه‌بعدی، سنجش از دور، هوش مصنوعی و پلتفرم‌های مشارکت مردمی، افق‌های تازه‌ای را در مدیریت، پایش و حفاظت میراث فرهنگی گشوده‌اند (گوما، ۲۰۲۲؛ یورِنیه‌نه، ۲۰۱۴). پیامد این تحولات، افزایش حجم تولیدات علمی و تنوع موضوعات پژوهشی در حوزهٔ مدیریت میراث بوده است. با این حال، این رشد علمی با پراکندگی موضوعی و مفهومی همراه است و هنوز تصویر روشنی از بازیگران علمی اثرگذار، ساختار مفهومی و محورهای غالب پژوهش در این حوزه وجود ندارد.

1. Omayio
2. Timothy
3. Drummond & Yeoman
4. Smith
5. Zhang
6. Pisolkar
7. Liorančaitė & Jurėnienė
8. Gomaa
9. UNESCO
10. Ugong
11. Beer & Boogaard

در چنین شرایطی، کتاب‌سنجی می‌تواند ابزاری مناسب برای شناخت ساختار و پویایی دانش مدیریت میراث باشد. این رویکرد با تحلیل الگوهای تولید علم، شبکه‌های اثرگذاری علمی، روابط میان کشورها و نویسندگان و هم‌آیندی واژگان کلیدی، امکان شناسایی روندهای غالب، محورهای موضوعی، بازیگران علمی اثرگذار و خلأهای پژوهشی را فراهم می‌کند. اهمیت کتاب‌سنجی در حوزه مدیریت میراث از آن جهت است که این حوزه، ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و در پیوند با موضوعاتی مانند حفاظت، گردشگری، حکمرانی، توسعه پایدار، فناوری‌های دیجیتال و مشارکت اجتماعی شکل گرفته است. با وجود انجام برخی مطالعات کتاب‌سنجی در حوزه‌های مرتبط با میراث فرهنگی، گردشگری میراث، حفاظت میراث، میراث دیجیتال و توسعه پایدار، بخش قابل‌توجهی از این مطالعات بر زیرحوزه‌های خاص متمرکز بوده‌اند و کمتر به مدیریت میراث به‌مثابه یک حوزه میان‌رشته‌ای مستقل، پرداخته‌اند. افزون بر این، بسیاری از پژوهش‌های پیشین عمدتاً به توصیف روندهای کلی تولید علم، کشورها یا نویسندگان پرکار، محدود شده‌اند و پیوند میان روندهای جهانی دانش و نیازهای پژوهشی کشورهایی مانند ایران را کمتر بررسی کرده‌اند. از این رو، شکاف اصلی موجود در ادبیات موضوع، در فقدان تحلیلی متمرکز از ساختار جهانی دانش مدیریت میراث و نسبت آن با خلأهای پژوهشی ایران، نهفته است.

این شکاف در مورد ایران اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا کشورمان با وجود برخورداری از میراث فرهنگی و طبیعی غنی و متنوع، در حوزهٔ مدیریت میراث با چالش‌هایی مواجه است، از جمله غلبهٔ رویکردهای توصیفی و حفاظت‌محور، ضعف مطالعات سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، محدودیت پژوهش‌های مرتبط با مشارکت ذی‌نفعان، کاربرد فناوری‌های نوین و پیوند نظام‌مند میان میراث فرهنگی و توسعه پایدار. افزون بر این، ارزیابی جایگاه ایران در شبکه‌های تولید علم و همکاری‌های بین‌المللی مدیریت میراث، می‌تواند نشان دهد که پژوهشگران ایرانی تا چه اندازه در جریان‌های اصلی دانش جهانی این حوزه، حضور دارند. شناسایی این وضعیت، مبنایی را برای جهت‌دهی پژوهش‌های آینده، ارتقای سیاست‌گذاری علمی و تقویت جایگاه ایران در ادبیات جهانی مدیریت میراث، فراهم می‌سازد. بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کتاب‌سنجی، می‌کوشد تصویری نظام‌مند از روندهای جهانی مطالعات مدیریت میراث ارائه دهد و از طریق تحلیل بازیگران علمی اثرگذار، ساختار مفهومی حوزه و محورهای موضوعی غالب، خلأهای پژوهشی ایران را در مقایسه با روندهای جهانی شناسایی کند. چنین تحلیلی می‌تواند ضمن تبیین جایگاه ایران در نقشهٔ جهانی مطالعات مدیریت میراث، مبنایی علمی برای جهت‌دهی پژوهش‌های آینده و تدوین سیاست‌های ملی مبتنی بر دانش روز، فراهم آورد. در این راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. کدام کشورها، نویسندگان و آثار علمی، بیشترین نقش را در تولید و اثرگذاری دانش مدیریت میراث داشته‌اند؟
۲. ساختار مفهومی مطالعات مدیریت میراث بر اساس هم‌آیندی واژگان کلیدی چگونه شکل گرفته و محورهای اصلی پژوهش در این حوزه کدامند؟
۳. مهم‌ترین خلأهای پژوهشی ایران در حوزه مدیریت میراث در مقایسه با روندهای غالب جهانی چیست؟

پیشینهٔ پژوهش

برای درک عمیق یک حوزه پژوهشی، بررسی جامع تحولات آن از گذشته تاکنون لازم است. این بررسی به پژوهشگران کمک می‌کند تا بلوغ حوزه، خاستگاه نظریه‌های موجود و همچنین شکاف‌های پژوهشی و موضوعات مغفول را شناسایی کنند (اسماعیلی مهیاری و همکاران، ۱۴۰۲). در سال‌های اخیر، روش‌های علم‌سنجی و کتاب‌سنجی به‌عنوان ابزارهایی نظام‌مند برای تحلیل ساختار دانش، شناسایی روندهای پژوهشی و ترسیم شبکه‌های تولید علم در حوزه‌های مختلف علمی، مورد توجه قرار گرفته‌اند (ولاسه و لاهدسماکی[1]، ۲۰۲۳). این رویکردها به‌ویژه در حوزه‌های میان‌رشته‌ای که با تنوع مفهومی و پراکندگی موضوعی مواجهند، نقش مهمی در آشکارسازی محورهای مسلط پژوهشی، تعاملات علمی و خلأهای دانشی ایفا می‌کنند. مدیریت میراث به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای و رو به گسترش، طی سال‌های اخیر با تحولات مفهومی قابل‌توجهی مواجه شده و از تمرکز صرف بر حفاظت فیزیکی آثار، به سمت رویکردهای مدیریتی، سیاست‌محور، مشارکتی و مبتنی بر توسعه پایدار، حرکت کرده است (خان و گولریا[2]، ۲۰۲۴). این تحول، ضرورت تحلیل نظام‌مند ادبیات علمی این حوزه را بیش از پیش برجسته می‌سازد.

در سطح بین‌المللی، *ولاسه و لاهدسماکی* (۲۰۲۳) با انجام یک تحلیل کتاب‌سنجی بر مطالعات میراث فرهنگی در حوزه علوم انسانی و با اتکا به داده‌های پایگاه *وب آو ساینس*،[3] نشان دادند که تولید دانش در این حوزه عمدتاً تحت سیطره کشورهای اروپایی و هم‌راستا با سیاست‌های کلان پژوهشی آن‌ها قرار دارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مفاهیمی نظیر مشارکت عمومی، مدیریت دانش و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، به‌تدریج به کانون توجه مطالعات میراث فرهنگی راه یافته‌اند، هرچند تمرکز بسیاری از پژوهش‌ها همچنان بر جنبه‌های سنتی حفاظت، باقی مانده است. این یافته‌ها بر ضرورت گذار از رویکردهای صرفاً حفاظتی به چهارچوب‌های جامع مدیریت میراث، تأکید دارند. در همین راستا، *خان و گولریا* (۲۰۲۴) در یک پژوهش کتاب‌سنجی با تمرکز مشخص بر مدیریت میراث، روند رشد، ساختار دانشی و الگوهای مفهومی این حوزه را با استفاده از داده‌های نمایه شده در پایگاه *اسکوپوس*، مورد تحلیل قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مطالعات مدیریت میراث از اواسط دهه ۲۰۱۰ با رشدی چشمگیر همراه بوده و مفاهیمی همچون مدیریت یکپارچه، توسعه پایدار، گردشگری فرهنگی، مشارکت ذی‌نفعان و سیاست‌گذاری میراث، به‌عنوان محورهای اصلی پژوهش‌ها برجسته شده‌اند. با این حال، یافته‌های آن‌ها حاکی از تمرکز جغرافیایی نامتوازن تولید دانش و نقش پررنگ تعداد محدودی از کشورها و نویسندگان در شکل‌دهی به گفتمان مسلط مدیریت میراث است. در کنار این مطالعه، *خان و گولریا* (۲۰۲۴) در پژوهشی دیگر به تحلیل کتاب‌سنجی ادبیات علمی حوزه حفاظت میراث پرداخته‌اند. در این پژوهش، ۳۵۷ مقاله علمی نمایه شده در پایگاه *اسکوپوس* طی بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که پژوهش‌های حفاظت میراث، طی دو دهه اخیر با رشدی تدریجی

1. Vlase & Lähdesmäki
2. Khan & Guleria
3. Web of Science

اما معنادار همراه بوده و تمرکز موضوعی آن‌ها بر مفاهیمی چون حفاظت، پایداری، مدیریت میراث و توسعه گردشگری، استوار بوده است.

در سطح زیرحوزه‌های تخصصی‌تر، *آدگوریولا*[1] *و همکاران* (۲۰۲۱) با تمرکز بر مدیریت نگهداری بناهای میراثی و تحلیل ۹۴۴ مقالهٔ نمایه شده در پایگاه *اسکوپوس* طی بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰، نشان دادند که ادبیات این حوزه به تدریج از رویکردهای فنی و واکنشی، به سمت چهارچوب‌های تصمیم‌گیری، پایداری و مدیریت یکپارچه، حرکت کرده است. تحلیل شبکه‌ای کلیدواژه‌ها و استنادات در این پژوهش، شکل‌گیری خوشه‌های مفهومی مرتبط با مدیریت دانش، فناوری‌های دیجیتال و برنامه‌ریزی راهبردی در مدیریت میراث را آشکار می‌سازد. در ادامه این مسیر، *محمد و مرزوق*[2] (۲۰۲۳) با انجام تحلیل کتاب‌سنجی و بصری ۹۶۳ مقالهٔ منتشرشده در *وب آو ساینس* در حوزه حفاظت بناهای میراثی، نشان دادند که تمرکز پژوهش‌ها به تدریج از راهکارهای صرفاً فنی به سمت مفاهیمی چون پایداری، سیاست‌گذاری، مدیریت دانش و همکاری‌های علمی بین‌المللی سوق یافته است؛ هرچند غلبهٔ رویکرد حفاظتی همچنان در این ادبیات مشهود است.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اگرچه در سال‌های اخیر تحلیل‌های کتاب‌سنجی متعددی در حوزه‌های مرتبط با میراث انجام شده است، اما این مطالعات از چند جهت با محدودیت مواجهند:

۱. بسیاری از پژوهش‌ها بر حوزه‌های عام‌تر مانند میراث فرهنگی، حفاظت میراث، حفاظت بناهای میراثی، گردشگری میراث یا مطالعات میراث در علوم انسانی تمرکز داشته‌اند و کمتر مدیریت میراث را به‌عنوان حوزه‌ای مستقل و میان‌رشته‌ای بررسی کرده‌اند. برای نمونه، مطالعه *ولاسه و لاهدسماکی* (۲۰۲۳) عمدتاً به جایگاه مطالعات میراث فرهنگی در علوم انسانی و الگوهای تولید دانش در این حوزه پرداخته است، در حالی که پژوهش‌های *آدگوریولا و همکاران* (۲۰۲۱)، *محمد و مرزوق* (۲۰۲۳) و *خان و گولریا* (۲۰۲۴) درباره حفاظت میراث، بیشتر بر ابعاد حفاظتی، فنی، نگهداری و پایداری بناهای میراثی متمرکز بوده‌اند. هرچند در این مطالعات، مفاهیمی مانند مدیریت دانش، برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه پایدار و فناوری‌های دیجیتال مورد توجه قرار گرفته، اما ساختار دانشی مدیریت میراث، به‌مثابه حوزه‌ای گسترده‌تر که علاوه بر حفاظت، سیاست‌گذاری، حکمرانی، مشارکت ذی‌نفعان، گردشگری، توسعه محلی و تصمیم‌گیری راهبردی را نیز در بر می‌گیرد، به‌صورت جامع تحلیل نشده است.

۲. حتی مطالعات نزدیک‌تر به مدیریت میراث، بیشتر در سطح توصیف روندهای جهانی، کشورها و نویسندگان پرتولید یا خوشه‌های موضوعی باقی مانده‌اند و کمتر پیوند میان ساختار جهانی دانش و نیازها و خلأهای پژوهشی کشورهایی مانند ایران را بررسی کرده‌اند. برای مثال، پژوهش *خان و گولریا* (۲۰۲۴) با تمرکز بر مدیریت میراث، تصویری ارزشمند از رشد تولیدات علمی، محورهای مفهومی و تمرکز جغرافیایی این حوزه ارائه کرده است، اما به تحلیل جایگاه ایران و نسبت میان روندهای جهانی مدیریت میراث با نیازهای پژوهشی و مدیریتی کشورهای دارای

1. Adegoriola
2. Mohamed & Marzouk

میراث فرهنگی غنی، نپرداخته است. در ادبیات علمی ایران نیز مطالعات موجود غالباً ماهیت موردی، توصیفی یا حفاظت‌محور دارند و با بهره‌گیری از روش‌های علم‌سنجی و کتاب‌سنجی، کمتر ساختار دانش، شبکه‌های همکاری کشورها، روندهای مفهومی و شکاف میان مطالعات داخلی و جریان‌های جهانی مدیریت میراث را تحلیل کرده‌اند.

بر این اساس، شکاف اصلی موجود در ادبیات موضوع را می‌توان در فقدان تحلیلی یکپارچه و چندبعدی از مدیریت میراث، به‌عنوان حوزه‌ای مستقل و میان‌رشته‌ای جست‌وجو کرد؛ تحلیلی که بتواند هم‌زمان روندهای جهانی، بازیگران اثرگذار، ساختار مفهومی حوزه، الگوهای همکاری علمی و جایگاه ایران در این ادبیات را شناسایی کند. تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین در این است که صرفاً به گزارش شاخص‌های کمّی تولید علم بسنده نمی‌کند، بلکه با تحلیل روند انتشار، انواع اسناد، حوزه‌های موضوعی، کشورهای پیشرو و شبکهٔ هم‌تألیفی کشورها، نویسندگان پرکار، آثار پراستناد و هم‌آیندی واژگان، تصویری چندبعدی از نقشهٔ دانش مدیریت میراث، ارائه می‌دهد. افزون بر این، پژوهش حاضر با استفادهٔ اکتشافی از داده‌های پایگاه *مگیران*، وضعیت انتشار مقالات فارسی مرتبط با میراث و میزان حضور صریح مفهوم «مدیریت میراث» در ادبیات داخلی را نیز بررسی می‌کند. از این منظر، این پژوهش می‌تواند مبنایی برای جهت‌دهی پژوهش‌های آینده، تقویت همکاری‌های علمی و تدوین سیاست‌های پژوهشی و مدیریتی در حوزه میراث در ایران، فراهم سازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی است و با بهره‌گیری از رویکرد کتاب‌سنجی انجام شده است. هدف اصلی پژوهش، تحلیل روند جهانی مطالعات مدیریت میراث، شناسایی الگوهای غالب پژوهشی، ساختار دانش، شبکه‌های همکاری علمی و خلأهای پژوهشی موجود، با تأکید بر جایگاه ایران در این حوزه است. کتاب‌سنجی به‌عنوان یکی از روش‌های معتبر علم‌سنجی، امکان بررسی نظام‌مند تولیدات علمی، تحلیل روابط ساختاری میان مفاهیم، نویسندگان، منابع و کشورها و ترسیم پویایی‌های پژوهشی را در مقیاس کلان، فراهم می‌سازد (*لیو*[1] *و همکاران*، ۲۰۲۳؛ *چن*[2] *و همکاران*، ۲۰۲۲؛ *اسکاچکائوسکینه*[3]، ۲۰۲۲). همچنین، برای تقویت چهارچوب روش‌شناختی پژوهش، از مطالعات *دونتو و همکاران* (۲۰۲۱)،[4] *آریا و کوچورولو* (۲۰۱۷)،[5] *زوپیچ و چاتر* (۲۰۱۵)[6] و *وناک و والتمن* (۲۰۱۴)[7] در زمینه نقشه‌نگاری علمی، تحلیل شبکه‌های علمی و کاربرد نرم‌افزارهای کتاب‌سنجی، بهره گرفته شد. بر این اساس، تحلیل‌هایی مانند روند تولیدات علمی، تحلیل استنادی، هم‌تألیفی، هم‌آیندی واژگان و خوشه‌بندی مفهومی، در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت.

1. Liu
2. Chen
3. Skačkauskienė
4. Donthu et al.
5. Aria & Cuccurullo
6. Zupic & Čater
7. van Eck & Waltman

داده‌های کتاب‌شناختی پژوهش از پایگاه استنادی بین‌المللی *اسکوپوس*[1] استخراج شد. انتخاب این پایگاه به دلیل پوشش گستردهٔ مجلات علمی معتبر، استاندارد بودن فراداده‌ها و کاربرد وسیع آن در مطالعات کتاب‌سنجی و علم‌سنجی، صورت گرفت (*مونژئون و پائول هوس*[2]، ۲۰۱۶؛ *پرانکوته*[3]، ۲۰۲۱). به‌منظور گردآوری داده‌ها، جستجو با استفاده از عبارت دقیق «مدیریت میراث»[4] در بخش عنوان اسناد انجام شد. محدودسازی جست‌وجو به عنوان اسناد با هدف تمرکز بر آثاری انجام گرفت که مدیریت میراث در آن‌ها نه به‌عنوان مفهومی فرعی یا حاشیه‌ای، بلکه به‌عنوان محور اصلی پژوهش، مطرح شده است. در مطالعات کتاب‌سنجی، جست‌وجو در عنوان می‌تواند دقت بازیابی را افزایش دهد و از ورود اسنادی که صرفاً به‌صورت گذرا در چکیده یا کلیدواژه‌ها به یک مفهوم اشاره کرده‌اند، جلوگیری کند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بازیابی همه اسناد مرتبط با میراث یا همه مطالعاتی که به‌طور غیرمستقیم به مدیریت میراث اشاره کرده‌اند نبود، بلکه تمرکز بر بدنه اصلی و آشکار ادبیات علمی مدیریت میراث بود. با وجود این، محدودسازی جست‌وجو به عنوان اسناد می‌تواند موجب عدم بازیابی برخی پژوهش‌های مرتبط شود که عبارت «مدیریت میراث» را در چکیده یا کلیدواژه‌ها، اما نه در عنوان، به کار برده‌اند. از این رو، نتایج پژوهش حاضر باید به‌عنوان تحلیلی متمرکز بر ادبیات هسته‌ای و صریح مدیریت میراث، تفسیر شود. بازه زمانی جست‌وجو، از آغاز نمایه‌سازی پایگاه *اسکوپوس* تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۵ در نظر گرفته شد. در نتیجه این جست‌وجو، در مجموع ۶۸۹ سند علمی شناسایی گردید. سپس داده‌های اولیه بر اساس معیارهای ورود و خروج پژوهش، پالایش شدند (جدول ۱).

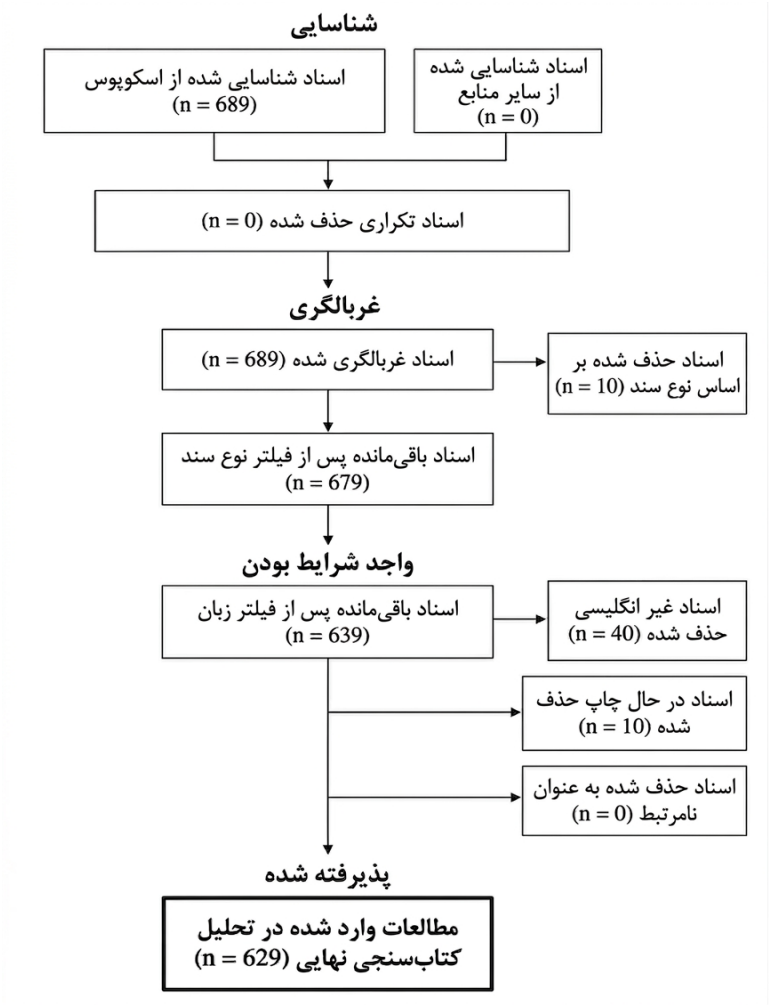
جدول ۱- معیارهای ورود و خروج اسناد در پژوهش

مرحله	معیار ورود	معیار خروج	توضیح
پایگاه داده	اسناد نمایه‌شده در پایگاه اسکوپوس	اسناد سایر پایگاه‌های اطلاعاتی	حفظ یکپارچگی فراداده‌ها و قابلیت بازتولید تحلیل
راهبرد جستجو	عبارت "Heritage Management" در عنوان	اسناد فاقد این عبارت در عنوان	تمرکز بر ادبیات هسته‌ای و افزایش دقت بازیابی
بازه زمانی	از آغاز نمایه‌سازی تا پایان ۲۰۲۵	اسناد خارج از بازه زمانی تعیین شده	پوشش کامل دوره زمانی قابل بازیابی در پایگاه
نوع سند	مقاله پژوهشی، مقاله مروری، مقاله کنفرانسی، مرور کنفرانسی، کتاب، فصل کتاب و سرمقاله	سایر انواع سند خارج از معیارهای پژوهش	تمرکز بر اسناد علمی دارای محتوای پژوهشی یا تحلیلی
زبان	اسناد انگلیسی‌زبان	اسناد غیر انگلیسی	استاندارد سازی تحلیل واژگان و افزایش قابلیت مقایسه جهانی
وضعیت انتشار	اسناد منتشر شده نهایی	اسناد در حال چاپ	اطمینان از کامل بودن اطلاعات کتاب‌شناختی و استنادی
کیفیت داده	اسناد دارای فرادادهٔ قابل استفاده در تحلیل کتاب‌سنجی	اسناد دارای فرادادهٔ ناقص یا تکراری	پیش‌شرط فنی برای تحلیل‌های شبکه‌ای در VOSviewer

بر اساس معیارهای مندرج در جدول ۱، فرایند پالایش داده‌ها در چند مرحله انجام شد. فرایند پالایش اسناد بر اساس معیارهای ورود و خروج پژوهش و مطابق با الگوی *پریسما* انجام شد. در مرحله شناسایی، همه ۶۸۹ سند اولیه از پایگاه *اسکوپوس* بازیابی شدند و هیچ سندی از سایر منابع، به مجموعه داده افزوده نشد. بررسی رکوردها نشان داد که

1. Scopus
2. Mongeon & Paul-Hus
3. Pranckutė
4. Heritage Management

هیچ سند تکراری در مجموعه اولیه وجود ندارد. سپس در مرحله غربالگری، با اعمال فیلترِ نوع سند و محدودسازی نتایج به اسناد علمی شامل مقاله پژوهشی، مقاله مروری، مقاله کنفرانسی، مرور کنفرانسی، کتاب، فصل کتاب و سرمقاله، ۱۰ سند حذف شد و تعداد اسناد باقی‌مانده به ۶۷۹ سند رسید. در گام بعد، با اعمال فیلترِ زبان و انتخاب اسناد انگلیسی‌زبان، ۴۰ سند غیر انگلیسی از مجموعه داده خارج شد و تعداد اسناد به ۶۳۹ سند کاهش یافت. در ادامه، با اعمال فیلترِ وضعیت انتشار، ۱۰ سند در حال چاپ حذف شد.[1] همچنین در مرحله ارزیابی ارتباط موضوعی، هیچ سندی به دلیل نامرتبط بودن با موضوع پژوهش، حذف نشد. در نهایت، ۶۲۹ سند برای تحلیل کتاب‌سنجی نهایی انتخاب شد (شکل ۱).



شکل ۱- فرایند شناسایی، پالایش و انتخاب اسناد پژوهش بر اساس الگوی *پریسما*

1. TITLE ("heritage management") AND PUBYEAR > 1984 AND PUBYEAR < 2026 AND (LIMIT-TO (DOCTYPE , "ar") OR LIMIT-TO (DOCTYPE , "ch") OR LIMIT-TO (DOCTYPE , "cp") OR LIMIT-TO (DOCTYPE , "re") OR LIMIT-TO (DOCTYPE , "bk") OR LIMIT-TO (DOCTYPE , "ed") OR LIMIT-TO (DOCTYPE , "cr")) AND (LIMIT-TO (LANGUAGE , "English")) AND (LIMIT-TO (PUBSTAGE , "final"))

ترکیب نهایی اسناد شامل ۳۰۹ مقاله پژوهشی، ۱۸۷ فصل کتاب، ۷۰ مقاله کنفرانسی، ۳۴ مقاله مروری، ۱۶ کتاب، ۷ سرمقاله و ۶ مرور کنفرانسی است. اطلاعات کتاب‌شناختی اسناد نهایی شامل عنوان، نام نویسندگان، سال انتشار، نام منبع انتشار، چکیده، کلیدواژه‌های نویسندگان، وابستگی سازمانی نویسندگان، کشورها و ارجاعات علمی، در قالب فایل CSV از پایگاه *اسکوپوس* استخراج شد. سپس داده‌ها از نظر کامل بودن فراداده‌ها و قابلیت استفاده در تحلیل‌های شبکه‌ای بررسی و برای ورود به نرم‌افزار، آماده‌سازی شدند.

تحلیل داده‌های پژوهش پس از پالایش نهایی اسناد، در چند مرحله انجام شد. نخست، تحلیل‌های توصیفی برای بررسی توزیع انواع اسناد علمی، حوزه‌های موضوعی، روند زمانی انتشار، کشورهای دارای بیشترین تولیدات علمی، نویسندگان پرکار و مقالات پراستناد، انجام گرفت. این بخش با هدف ترسیم تصویر کلی از حجم، جهت‌گیری و روند تحول مطالعات جهانی مدیریت میراث، طراحی شد. سپس، تحلیل‌های شبکه‌ای با استفاده از نرم‌افزار *وُس‌ویور*[1] انجام شد. این نرم‌افزار به دلیل قابلیت بالا در تحلیل شبکه‌ای و مصورسازی داده‌های کتاب‌سنجی، برای ترسیم و تحلیل شبکه‌های علمی مورد استفاده قرار گرفت (*ون‌اک و والتمن*، ۲۰۲۲). در این مرحله، شبکه هم‌تألیفی کشورها برای شناسایی ساختار همکاری‌های بین‌المللی و جایگاه کشورها در شبکه جهانی پژوهش، ترسیم گردید. همچنین، شبکه هم‌آیندی واژگان با آستانه حداقل ۱۸ تکرار برای شناسایی مفاهیم پرتکرار، قدرت پیوند میان واژگان و خوشه‌های مفهومی غالب در حوزه مدیریت میراث، تحلیل شد. در ادامه، جایگاه ایران از دو منظر بررسی گردید: نخست، میزان حضور نویسندگان وابسته به ایران در اسناد بین‌المللی استخراج شده از *اسکوپوس* و دوم، وضعیت حضور صریح مفهوم «مدیریت میراث» در عنوان مقالات فارسی نمایه شده در پایگاه *مگیران*. تحلیل داده‌های *مگیران* به دلیل محدودیت‌های ساختاری این پایگاه، ماهیتی توصیفی و اکتشافی داشت و به‌عنوان تحلیل شبکه‌ای یا استنادی هم‌سطح با داده‌های *اسکوپوس*، در نظر گرفته نشد.

یافته‌های پژوهش

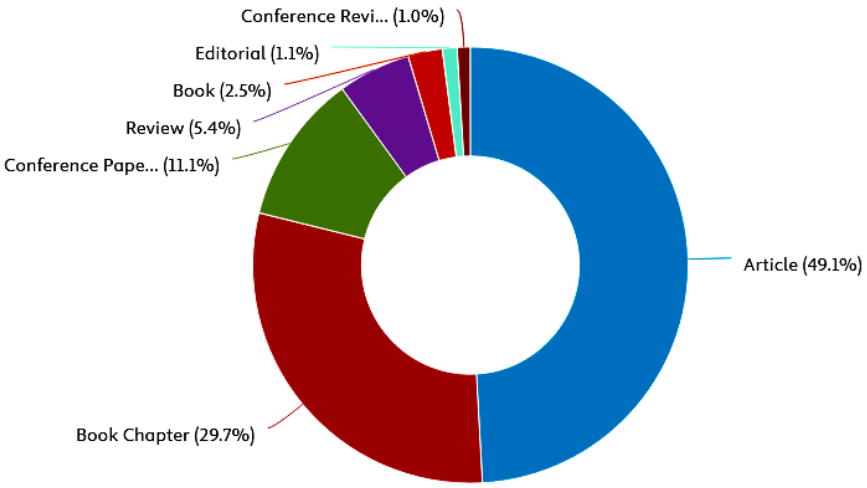
در فرایند تحلیل داده‌ها، ابتدا توزیع انواع اسناد علمی، توزیع حوزه‌های موضوعی و روند زمانی انتشار مطالعات مدیریت میراث در سطح جهانی، بررسی شد تا تصویری کلی از سیر تحول، نرخ رشد و نقاط عطف پژوهشی این حوزه به دست آید. در گام بعد، کشورهای پیشتاز در تولید علم، الگوهای هم‌تألیفی میان کشورها، نویسندگان پرکار و مقالات پراستناد این حوزه بررسی شد تا ساختار تعاملات پژوهشی و نقش بازیگران اصلی در تولید دانش مدیریت میراث، روشن شود. در ادامه، تحلیل هم‌آیندی واژگان انجام گرفت تا محورهای موضوعی غالب، خوشه‌های مفهومی مسلط و جهت‌گیری‌های نوظهور در مطالعات مدیریت میراث شناسایی گردد. در نهایت، با تمرکز بر میزان مشارکت ایران در داده‌های استخراج‌شده از *اسکوپوس* و جایگاه آن در شبکه هم‌تألیفی کشورها، وضعیت حضور ایران در ادبیات

1. VOSviewer

بین‌المللی مدیریت میراث بررسی شد. نتایج حاصل از این تحلیل‌ها، مبنای بخش بحث و نتیجه‌گیری پژوهش و ارائه پیشنهادهایی برای جهت‌دهی پژوهش‌های آینده و سیاست‌گذاری علمی در حوزه مدیریت میراث در ایران قرار گرفته است.

توزیع انواع اسناد علمی

بررسی توزیع انواع اسناد علمی در مطالعات جهانی مدیریت میراث نشان می‌دهد که از مجموع ۶۲۹ سند تحلیل‌شده، مقالات پژوهشی با سهم غالب ۴۹/۱ درصد، مهم‌ترین قالب انتشار یافته‌های علمی در این حوزه به شمار می‌آیند. غلبه این نوع سند نشان می‌دهد که بخش عمده تولیدات علمی مدیریت میراث، در قالب مقالات منتشر شده در نشریات علمی نمایه شده در *اسکوپوس*، عرضه شده است. پس از مقالات پژوهشی، فصل‌های کتاب با سهم قابل توجه ۲۹/۷ درصد در جایگاه دوم قرار دارند. این امر با ماهیت نظری، تحلیلی و میان‌رشته‌ای مطالعات مدیریت میراث همخوان است؛ حوزه‌ای که در آن تبیین مفاهیم، چهارچوب‌های نظری، تحلیل‌های تطبیقی و مطالعات سیاست‌محور، بخشی از تولید دانش را در قالب کتاب‌ها و آثار مرجع، شکل می‌دهد.



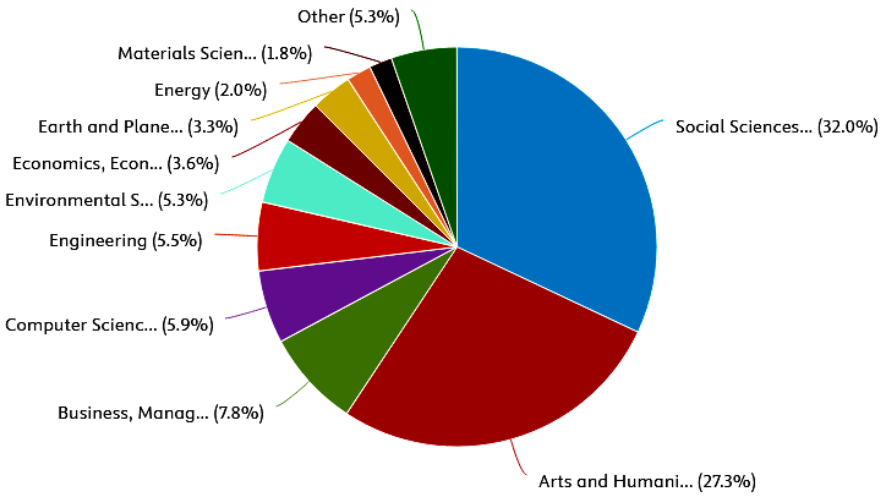
شکل ۲- انواع اسناد علمی یافت شده در *اسکوپوس*

در مقابل، مقالات کنفرانسی با سهم ۱۱/۱ درصد، جایگاه محدودتری در تولید دانش این حوزه دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که مطالعات مدیریت میراث، در مقایسه با برخی حوزه‌های فناورانه و مهندسی، کمتر کنفرانس‌محور بوده و بخش اصلی تولیدات آن در قالب مقالات نشریه‌ای و فصل‌های کتاب، منتشر شده است. مقالات مروری نیز با سهم ۵/۴ درصد، نشان دهندهٔ توجه پژوهشگران به مرور ادبیات، تحلیل روندهای پژوهشی و شناسایی شکاف‌های دانشی در سطح جهانی است. سایر انواع اسناد شامل کتاب‌ها با ۲/۵ درصد، سرمقاله‌ها با ۱/۱ درصد و مرورهای کنفرانسی با ۱ درصد،

سهم اندکی از کل تولیدات علمی را به خود اختصاص داده‌اند و عمدتاً نقشی تکمیلی در جریان دانش این حوزه ایفا می‌کنند. در مجموع، این الگوی انتشار نشان می‌دهد که روند جهانی مطالعات مدیریت میراث، الگویی عمدتاً نشریه‌محور و تا حدی کتاب‌محور دارد؛ الگویی که با ماهیت علوم انسانی، مطالعات میان‌رشته‌ای و پژوهش‌های مرتبط با میراث فرهنگی همخوانی دارد (شکل ۲).

توزیع حوزه‌های موضوعی

بررسی توزیع حوزه‌های موضوعی در مطالعات مدیریت میراث نشان می‌دهد که این حوزه، ماهیتی آشکارا میان‌رشته‌ای دارد و در مرز میان علوم اجتماعی، هنر و علوم انسانی، مدیریت، فناوری، مهندسی و مطالعات محیطی قرار می‌گیرد. این تحلیل بر اساس دسته‌بندی موضوعی اسناد در پایگاه *اسکوپوس* انجام شد و نشان می‌دهد که تولید دانش در حوزه مدیریت میراث صرفاً محدود به رشته‌های سنتی مرتبط با میراث، مانند باستان‌شناسی، تاریخ و مطالعات فرهنگی نیست؛ بلکه حوزه‌های مدیریتی، فناورانه و محیط‌زیستی نیز در شکل‌گیری ادبیات علمی آن نقش دارند. از این‌رو، توزیع حوزه‌های موضوعی می‌تواند تصویری از جهت‌گیری میان‌رشته‌ای پژوهش‌های جهانی مدیریت میراث و زمینه‌های بالقوه برای توسعه همکاری‌های علمی در این حوزه ارائه دهد.



شکل ۳- توزیع حوزه‌های موضوعی اسناد منتشر شده

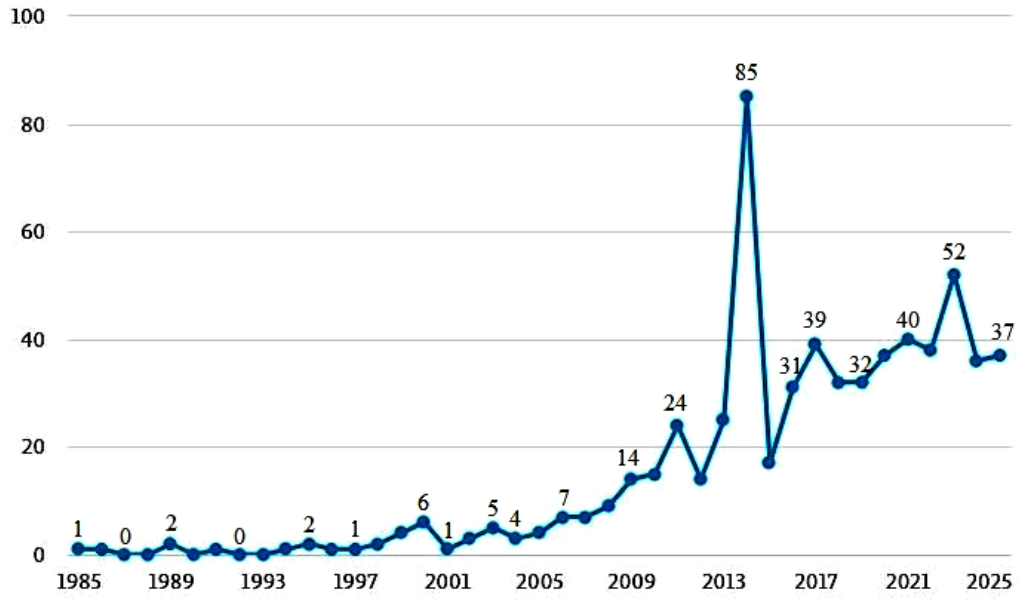
نمودار شکل (۳) نمایانگر سهم حوزه‌های مختلف علوم در انتشارات علمی مرتبط با مدیریت میراث است که بیانگر تفاوت ماهیت و رویکردهای پژوهشی در این حوزه میان‌رشته‌ای می‌باشد. علوم اجتماعی با سهم ۳۲ درصد، بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. این موضوع نشان می‌دهد که ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی در مطالعات مدیریت میراث، بسیار برجسته و مورد توجه است و پژوهش‌ها عمدتاً به نقش جوامع محلی، سیاست‌گذاری

فرهنگی، رفتارهای اجتماعی و تعاملات انسانی می‌پردازند. هنر و علوم انسانی با ۲۷/۳ درصد، گستره وسیعی از بررسی‌های هنری، تاریخی و فرهنگی را در بر می‌گیرند. این حوزه، تمرکز بر ارزش‌های فرهنگی، هویت و بازسازی‌های معنوی میراث را به‌عنوان بخش مهمی از پژوهش مطرح می‌کند. حوزه‌های مدیریتی و کسب و کار با ۷/۸ درصد و علوم کامپیوتر با ۵/۹ درصد، سهم کمتری دارند، اما نقش کلیدی در بهبود روش‌ها و فناوری‌های مدیریت میراث ایفا می‌کنند. حوزه مدیریتی بیشتر به راهکارهای پایدار مدیریت منابع، برنامه‌ریزی و بازاریابی مرتبط است، در حالی که علوم کامپیوتر ابزارهای فناوری نوین مانند داده‌کاوی، هوش مصنوعی و سیستم‌های اطلاعاتی را برای حفاظت و تحلیل داده‌های میراث فرهنگی فراهم می‌آورند. مهندسی با ۵/۵ درصد و علوم زیست محیطی با ۵/۳ درصد، سهم قابل توجهی در جنبه‌های فنی، حفاظت ساختاری و پایداری میراث ایفا می‌کنند. سایر حوزه‌ها از جمله اقتصاد (۳/۶ درصد)، علوم زمین (۳/۳ درصد)، انرژی (۲ درصد)، علوم مواد (۱/۸ درصد) و دیگر حوزه‌ها (۵/۳ درصد)، سهم محدودتری دارند، اما حضور آن‌ها بیانگر مشارکت علوم مکمل در ابعاد فیزیکی، اقتصادی، فناورانه و مدیریتیِ حفاظت از میراث فرهنگی است. در مجموع، این ترکیب موضوعی نشان می‌دهد که مدیریت میراث، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که از یک‌سو بر بنیان‌های علوم انسانی و اجتماعی استوار است و از سوی دیگر، از ظرفیت‌های مدیریت، فناوری، مهندسی و مطالعات محیطی برای حفاظت، تفسیر، برنامه‌ریزی و بهره‌برداری پایدار از میراث بهره می‌گیرد.

روند انتشار مقالات

تحلیل روند انتشار مقالات بر اساس سال، ابزاری حیاتی در علم‌سنجی است که به سادگی نشان می‌دهد تولید دانش در یک حوزه مشخص، در طول زمان چگونه تکامل یافته است. این روند به ما امکان می‌دهد تا نقاط عطف، دوره‌های جهش یا رکود را شناسایی کنیم و آن‌ها را با تحولات مهم خارجی مانند تغییرات فناورانه (مانند ظهور سیستم اطلاعات جغرافیایی) یا سیاست‌گذاری‌ها مرتبط سازیم که در نهایت، پایه و اساس تصمیم‌گیری برای تعیین اولویت‌های پژوهشی آتی و درک میزان بالندگی و اشباع شدن یک زمینهٔ علمی را فراهم می‌آورد.

اطلاعات نمودار شکل (۴)، بیانگر تغییرات کمّی تولیدات علمی در حوزه مدیریت میراث در طول بازه زمانی ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۵ است و به‌عنوان مبنایی برای تحلیل‌های کتاب‌سنجی و شناسایی دوره‌های رکود یا جهش استفاده می‌شود. بررسی دقیق این روند، امکان درک نقاط عطف و ارتباط آن‌ها با تحولات نظری، سیاست‌های پژوهشی و افزایش اهمیت میراث فرهنگی در سطح جهانی را فراهم می‌کند. در ادامه، دوره‌های آغازین، مراحل رشد تدریجی و جهش‌های چشمگیر، مورد تحلیل قرار می‌گیرند.



شکل ۴- انتشار اسناد بر اساس سال از ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۵

۱. دوره آغازین و شکل‌گیری تدریجی (۲۰۰۵-۱۹۸۵)

در این بازه زمانی، انتشار مقالات مرتبط با مدیریت میراث، بسیار محدود و پراکنده بود و سالانه کمتر از ۵ مقاله به ثبت می‌رسید. روند کلی، تقریباً ثابت و فاقد رشد چشمگیر بود که نشانگر مرحله شکل‌گیری اولیه این حوزه در سطح دانشگاهی است. در این دوران، اغلب مطالعات به بررسی مفاهیم پایه میراث فرهنگی، حفاظت از آثار ملموس و سیاست‌های سنتی مدیریت میراث، اختصاص داشتند. نبود چهارچوب نظری جامع و کمبود حمایت‌های مالی و نهادی، باعث شد فعالیت‌های پژوهشی عمدتاً محدود به مطالعات موردی و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی بماند. مقالات اولیهٔ مورد اشاره در این بخش، قدیمی‌ترین رکوردهای موجود در مجموعه دادهٔ نهایی استخراج شده از پایگاه *اسکوپوس* هستند که پس از اعمال راهبرد جستجو، معیارهای ورود و خروج و پالایش داده‌ها، در مجموعه نهایی پژوهش باقی مانده‌اند. بنابراین، این آثار به‌معنای نخستین آثار مطلق منتشر شده در کل ادبیات جهانی مدیریت میراث نیستند، بلکه نقطه آغاز قابل مشاهده در داده‌های این پژوهش محسوب می‌شوند. بر این اساس، قدیمی‌ترین آثار شناسایی شده در مجموعه داده پژوهش در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ با انتشار دو مقاله انگلیسی‌زبان با عنوان‌های «مدیریت میراث در یک مکان معمولی» و «عصر جدید مدیریت میراث» ثبت شده‌اند که در شکل‌گیری اولیهٔ مفهوم مدیریت میراث، نقش داشته‌اند. اندکی بعد، در سال ۱۹۸۹ نخستین تلاش شناسایی شده در داده‌های پژوهش برای پیوند میان مدیریت میراث و گردشگری میراث با مقاله «مدیریت میراث برای گردشگری میراث» صورت گرفت. در ادامه، پژوهش‌های انتقادی نیز پدیدار شدند؛ از جمله مقاله «هژمونی غرب در مدیریت میراث باستان‌شناختی» در سال ۱۹۹۱ که رویکرد غالب غربی در حفاظت میراث را نقد می‌کرد و مقاله نظری «مدیریت میراث به مثابه باستان‌شناسی پسافرایندی؟» در سال ۱۹۹۴ که

گامی مهم در جهت بازتعریف مفهومی این حوزه بود. از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد، انتشار مقالات افزایش تدریجی یافت و زمینه‌ساز شکل‌گیری پایه‌های نظری و واژگانی مدیریت میراث در سطح جهانی شد.

۲. دوره رشد تدریجی و تثبیت مفهومی (۲۰۱۳-۲۰۰۶)

از اواسط دهه ۲۰۰۰ شاهد آغاز رشدی قابل توجه در تولیدات علمی این حوزه هستیم (مقادیر بین ۱۰ تا ۲۵ مقاله در سال نوسان داشتند). این رشد نشان دهنده شکل‌گیری چهارچوب‌های نظری نسبتاً جامع‌تر و پیدایش ارتباط میان مدیریت میراث با حوزه‌هایی مانند گردشگری، توسعه پایدار و فناوری اطلاعات است. در همین دوره، توجه پژوهشگران به میراث ناملموس و نقش جوامع محلی در حفاظت آثار فرهنگی افزایش یافت. ایجاد رشته‌های میان‌رشته‌ای و افزایش حمایت‌های سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه *یونسکو*، موجب تثبیت تدریجی جایگاه این حوزه در فضای دانشگاهی شد.

۳. دوره جهش چشمگیر و گسترش جهانی (۲۰۱۶-۲۰۱۴)

در این دوره، نمودار، رشد بسیار تند و غیرمنتظره‌ای را نشان می‌دهد. در حدود سال ۲۰۱۴ تعداد مقالات به بیش از ۸۰ مورد رسید که این جهش، بزرگ‌ترین نقطه اوج کل بازه به شمار می‌آید. این رشد انفجاری معمولاً ناشی از همگرایی سیاست‌های جهانی حفاظت میراث، افزایش بودجه‌های پژوهشی و برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی مهم در زمینه مدیریت میراث فرهنگی است. همچنین گسترش فناوری‌های دیجیتال و رویکردهای نوین مستندسازی و پایگاه‌های داده جهانی، باعث شد این حوزه از محدوده مطالعات نظری خارج شده، وارد عرصه‌های کاربردی و فناورانه شود.

۴. دوره نوسان و تثبیت در سطح بالا (۲۰۲۵-۲۰۱۷)

پس از جهش چشمگیر، روند انتشار مقالات دچار افت موقت شده و سپس به سطح نسبتاً بالایی بین ۳۰ تا ۴۵ مقاله در سال تثبیت گردیده است. این دوره بیانگر بلوغ علمی حوزه مدیریت میراث است که پژوهش‌ها بیشتر بر تلفیق سیاست‌های فرهنگی با حفاظت هوشمند، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و مشارکت جوامع بومی متمرکز شده‌اند. ایجاد شبکه‌های پژوهشی بین‌المللی و برنامه‌های جهانی حفاظت پایدار از میراث، موجب تداوم انتشار در سطح بالا شده است. با وجود برخی نوسانات، ثبات نسبی تعداد مقالات نشان‌دهندهٔ تثبیت این رشته در ساختار علمی و پژوهشی جهان است.

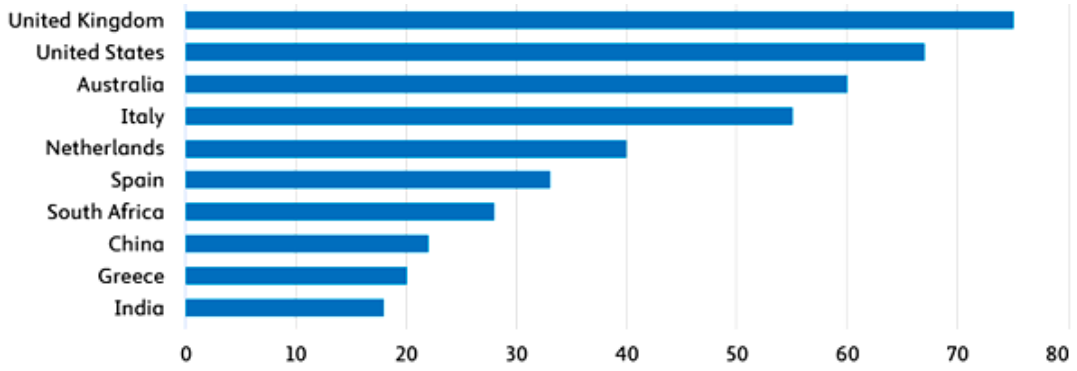
به‌طور کلی، روند نمودار بیانگر آن است که حوزه مدیریت میراث در ابتدا با رشد کند و پایه‌گذاری مفهومی شروع شد، سپس در دهه ۲۰۱۰ با جهش قابل‌توجهی مواجه گردید و از آن زمان تاکنون، به مرحله بلوغ و تثبیت علمی رسیده است. افزایش توجه جهانی به حفاظت میراث فرهنگی، گسترش فناوری‌های دیجیتال و رویکردهای میان‌رشته‌ای، از

عوامل کلیدی این تحول بوده‌اند. بر اساس این الگو، انتظار می‌رود در سال‌های آینده این حوزه با تمرکز بر حفاظت هوشمند، مشارکت‌محور و دیجیتال‌سازی پیشرفته، جایگاه مهم‌تری در پژوهش‌های بین‌المللی و سیاست‌های فرهنگی جهانی کسب کند.

کشورهای پیشتاز و هم‌تألیفی کشورها

تحلیل توزیع جغرافیایی انتشار اسناد، یکی از بخش‌های اصلی در مطالعات کتاب‌سنجی است زیرا نشان می‌دهد تولید دانش در یک حوزه علمی در چه کشورهایی متمرکز شده و کدام کشورها نقش پررنگ‌تری در شکل‌دهی به ادبیات پژوهشی آن دارند. در حوزه مدیریت میراث، بررسی کشورهای پرانتشار می‌تواند به شناسایی کانون‌های اصلی تولید دانش، الگوهای تمرکز جغرافیایی پژوهش و زمینه‌های بالقوه برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی کمک کند. افزون بر این، تحلیل هم‌تألیفی کشورها امکان بررسی ساختار همکاری‌های علمی، میزان اتصال کشورها به شبکه جهانی پژوهش و جایگاه نسبی آن‌ها در تبادل دانش بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

نمودار کشورهای پرانتشار در حوزه مدیریت میراث (شکل ۵) نشان می‌دهد که تولید علم در این حوزه در چند کشور خاص تمرکز بیشتری دارد. بریتانیا با فاصله‌ای محسوس، در رتبه نخست قرار گرفته و پس از آن ایالات متحده آمریکا و استرالیا جای دارند. این تمرکز را می‌توان با پیشینه پژوهشی و نهادی این کشورها در مطالعات میراث فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، گردشگری فرهنگی، توسعه پایدار و حکمرانی محلی، مرتبط دانست. حضور کشورهایی مانند ایتالیا، هلند، اسپانیا، چین، آفریقای جنوبی و هند نیز نشان می‌دهد که مطالعات مدیریت میراث در سطح جهانی، هم در کشورهایی با سنت‌های پژوهشی دیرینه در حوزه میراث و هم در برخی کشورهای دارای ظرفیت‌های نوظهور پژوهشی، دنبال شده است. با این حال، اختلاف میان کشورهای پیشرو و سایر کشورها نشان می‌دهد که تولید دانش در این حوزه، توزیعی نامتوازن دارد و بخش مهمی از ادبیات بین‌المللی مدیریت میراث، در چند کانون جغرافیایی متمرکز است.



شکل ۵- کشورهای پرانتشار در زمینه مدیریت میراث

بررسی داده‌های استخراج شده از پایگاه *اسکوپوس* نشان می‌دهد که سهم ایران در مجموعه نهایی پژوهش، بسیار محدود است. از میان ۶۲۹ سند تحلیل شده، تنها ۱ سند با وابستگی سازمانی به ایران شناسایی شد که معادل حدود ۰/۱۶ درصد از کل اسناد است. این سند در مجموع ۲ استناد دریافت کرده و ایران از نظر تعداد تولیدات علمی، در رتبه ۷۳ از میان ۹۰ کشور حاضر در داده‌ها قرار گرفته است. افزون بر این، در نقشه هم‌تألیفی کشورها که با استفاده از نرم‌افزار *وُس‌ویوِر* ترسیم شد، تعداد پیوندهای همکاری ایران و قدرت کل پیوندهای آن، برابر با صفر بود. این وضعیت نشان می‌دهد که در داده‌های این پژوهش، ایران در شبکه مرکزی همکاری‌های بین‌المللی مدیریت میراث، جایگاه قابل مشاهده‌ای ندارد و مشارکت نویسندگان دارای وابستگی سازمانی به ایران در ادبیات جهانی این حوزه، هم از نظر کمّی و هم از نظر شبکه‌ای، بسیار محدود است.

تحلیل شبکهٔ هم‌تألیفی کشورها در مطالعات کتاب‌سنجی نشان می‌دهد که تولید دانش در یک حوزه علمی تا چه اندازه از طریق همکاری‌های بین‌المللی شکل گرفته است. این تحلیل، افزون بر تعداد اسناد و استنادها، میزان اتصال کشورها به یکدیگر و نقش آن‌ها را در شبکه تبادل دانش آشکار می‌سازد. در پژوهش حاضر، شبکه هم‌تألیفی کشورها با استفاده از نرم‌افزار *وُس‌ویوِر* ترسیم شد و کشورها بر اساس تعداد اسناد، تعداد استنادها و قدرت کل پیوند، مورد بررسی قرار گرفتند (جدول ۲).

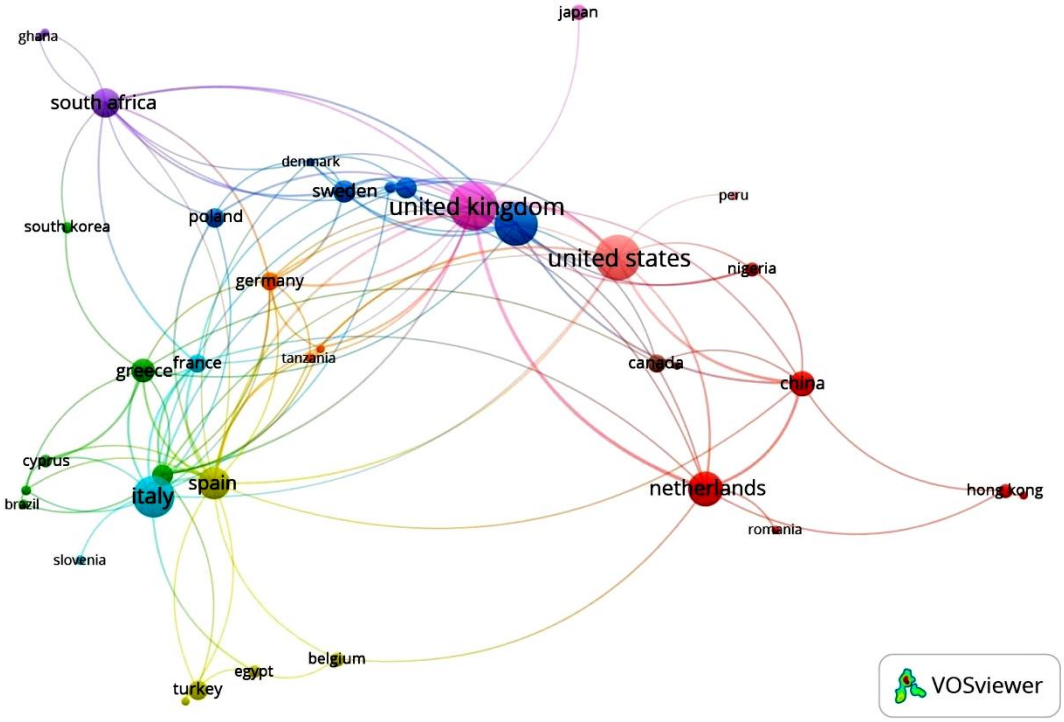
تحلیل شبکه هم‌تألیفی کشورها در حوزه مدیریت میراث نشان می‌دهد که الگوی همکاری‌های علمی جهانی، حول چند کانون اصلی شکل گرفته است. بر اساس جدول ۲ و شکل ۶، بریتانیا با ۷۵ سند، ۱۵۷۳ استناد و قدرت کل پیوند ۴۴، مهم‌ترین گره شبکهٔ هم‌تألیفی کشورها به شمار می‌آید. این کشور علاوه بر برخورداری از بیشترین تعداد اسناد در میان کشورهای جدول، بالاترین قدرت کلی پیوند را نیز دارد و از این نظر نقش مهمی در اتصال همکاری‌های علمی این حوزه ایفا می‌کند. پس از بریتانیا، اسپانیا با قدرت کلی پیوند ۳۳ و ایالات متحده آمریکا با قدرت کلی پیوند ۲۸ در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. استرالیا نیز با ۶۰ سند، ۱۱۶۱ استناد و قدرت کلی پیوند ۲۲ ، یکی از بازیگران مهم شبکه محسوب می‌شود. ایتالیا با ۵۵ سند، ۵۱۱ استناد و قدرت کلی پیوند ۲۰، در کنار کشورهایی مانند پرتغال، هلند، آلمان، چین و یونان، بخشی از ساختار اصلی همکاری‌های بین‌المللی این حوزه را شکل می‌دهد. حضور هم‌زمان کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی، استرالیا، چین و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که شبکه همکاری علمی مدیریت میراث، اگرچه تمرکز قابل‌توجهی در اروپا و کشورهای انگلیسی‌زبان دارد، اما از نظر جغرافیایی به چند منطقه مختلف گسترش یافته است.

مقایسه تعداد اسناد، تعداد استنادها و قدرت کلی پیوند نشان می‌دهد که میزان تولید علمی لزوماً با میزان همکاری بین‌المللی یکسان نیست. برای نمونه، ایالات متحده آمریکا با ۶۷ سند و ۴۴۹ استناد، از نظر تعداد اسناد در جایگاه بالایی قرار دارد، اما قدرت کلی پیوند آن از بریتانیا و اسپانیا کمتر است. در مقابل، اسپانیا با تعداد اسناد کمتر نسبت به ایالات متحده و استرالیا، قدرت کلی پیوند بالاتری دارد که نشان دهندهٔ نقش فعال‌تر آن در همکاری‌های بین‌المللی این حوزه

است. همچنین، هلند با ۴۰ سند، ۹۱۶ استناد و قدرت کلی پیوند ۱۶ و آفریقای جنوبی با ۲۸ سند، ۶۶۶ استناد و قدرت کلی پیوند ۱۷، نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند جایگاه کشورها در شبکه علمی مدیریت میراث، تنها به حجم تولیدات وابسته نیست، بلکه به شدت و گسترهٔ پیوندهای همکاری نیز بستگی دارد.

جدول ۲- شاخص‌های هم‌تألیفی کشورهای پیشرو بر اساس قدرت کلی پیوند

کشور	تعداد اسناد	تعداد استنادها	قدرت کلی پیوند
بریتانیا	۷۵	۱۵۷۳	۴۴
اسپانیا	۳۳	۱۸۲	۳۳
ایالات متحده آمریکا	۶۷	۴۴۹	۲۸
استرالیا	۶۰	۱۱۶۱	۲۲
ایتالیا	۵۵	۵۱۱	۲۰
پرتغال	۱۵	۲۳۷	۱۷
آفریقای جنوبی	۲۸	۶۶۶	۱۷
هلند	۴۰	۹۱۶	۱۶
آلمان	۱۲	۱۵۴	۱۵
چین	۲۲	۱۷۸	۱۴
یونان	۲۰	۴۲۷	۱۴



شکل ۶- نقشه هم‌تألیفی کشورها بر اساس تعداد استنادها و قدرت کلی پیوند

در مجموع، نتایج جدول ۲ و نقشه هم‌تألیفی نشان می‌دهد که اروپا، به‌ویژه بریتانیا، اسپانیا، ایتالیا، پرتغال، هلند، آلمان و یونان، نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به همکاری‌های علمی حوزه مدیریت میراث دارند. در کنار آن، کشورهایی

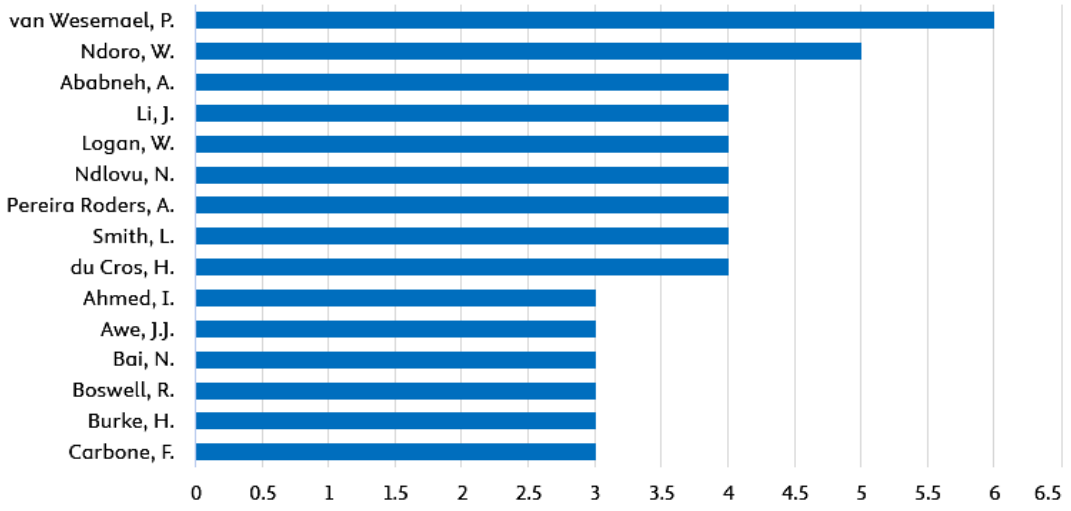
مانند ایالات متحده آمریکا، استرالیا، چین و آفریقای جنوبی نیز در تولید و تبادل دانش این حوزه، نقش قابل‌توجهی ایفا می‌کنند. این الگو بیانگر آن است که شبکه جهانی پژوهش در مدیریت میراث، ضمن برخورداری از گستره بین‌المللی، همچنان حول چند کشور و منطقه علمی متمرکز است. از این منظر، کشورهایی که حضور محدودی در این شبکه دارند، از جمله ایران، برای افزایش مشارکت در ادبیات جهانی مدیریت میراث، نیازمند افزایش تولیدات علمی بین‌المللی ، توسعه همکاری‌های علمی فرامرزی و اتصال فعال‌تر به شبکه‌های پژوهشی این حوزه هستند.

نویسندگان پرکار

شناسایی نویسندگان پرکار در مطالعات کتاب‌سنجی، یکی از راه‌های بررسی تمرکز تولید علمی و شناسایی پژوهشگرانی است که سهم بیشتری در انتشار آثار مرتبط با یک حوزه دارند. در پژوهش حاضر، تحلیل نویسندگان پرکار بر اساس تعداد اسناد نمایه شده در پایگاه *اسکوپوس* انجام شد و هدف آن، شناسایی نویسندگانی بود که بیشترین مشارکت را در تولید ادبیات علمی حوزه مدیریت میراث داشته‌اند. این تحلیل می‌تواند تصویری از تمرکز تولید دانش در میان پژوهشگران فعال، زمینه‌های اصلی پژوهش و تا حدی مراکز علمی اثرگذار در این حوزه ارائه دهد. با این حال، باید توجه داشت که پرکاری نویسندگان صرفاً بر اساس تعداد انتشارات سنجیده می‌شود و لزوماً به معنای بیشترین اثرگذاری علمی نیست زیرا ارزیابی اثرگذاری، نیازمند بررسی شاخص‌هایی مانند تعداد استنادها، شاخص‌های استنادی و شبکه‌های همکاری علمی است.

نمودار نویسندگان پرکار در حوزه مدیریت میراث (شکل ۷) نشان می‌دهد که بخشی از تولیدات علمی این حوزه، در میان گروه محدودی از پژوهشگران متمرکز شده است. نویسندگانی مانند *فان وِسمال*[1]، *نْدورو*[2] و *اَبابنِه*[3] در میان نویسندگانِ دارای بیشترین تعداد انتشار قرار دارند و از این نظر، سهم قابل‌توجهی در شکل‌دهی به ادبیات علمی مدیریت میراث داشته‌اند. حضور این نویسندگان در صدر فهرست، نشان دهنده استمرار فعالیت پژوهشی آنان در موضوعات مرتبط با مدیریت میراث و مشارکت آن‌ها در تولید دانش بین‌المللی این حوزه است. بررسی نویسندگان پرکار نشان می‌دهد که تولید علمی در حوزه مدیریت میراث تنها به یک رشته یا رویکرد خاص محدود نیست، بلکه در پیوند با موضوعاتی مانند مدیریت میراث فرهنگی، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از میراث، میراث جهانی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری میراث، مشارکت جوامع محلی، گردشگری فرهنگی و حکمرانی میراث قرار دارد. از این منظر، حضور نویسندگان پرکار می‌تواند با جهت‌گیری‌های اصلی مشاهده شده در سایر بخش‌های تحلیل کتاب‌سنجی، از جمله توزیع حوزه‌های موضوعی و تحلیل واژگان کلیدی، مرتبط باشد. با این حال، برای نسبت دادن دقیق هر نویسنده به یک خوشه موضوعی مشخص، انجام تحلیل‌های تکمیلی مانند بررسی عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های آثار هر نویسنده ضروری است.

1. van Wesemael
2. Ndoro
3. Ababneh



شکل ۷– نویسندگان پرکار در زمینه مدیریت میراث

از نظر جغرافیایی و نهادی نیز نویسندگان پرکار معمولاً با کشورها و مراکزی ارتباط دارند که در بخش‌های پیشین، به‌عنوان کانون‌های مهم تولید علم و همکاری‌های بین‌المللی در حوزه مدیریت میراث، شناسایی شدند. این هم‌پوشانی نشان می‌دهد که تمرکز تولید علمی در سطح نویسندگان، تا حدی با تمرکز جغرافیایی تولید دانش در کشورهایی مانند بریتانیا، ایالات متحده آمریکا، استرالیا و برخی کشورهای اروپایی هم‌راستا است. بنابراین، الگوی نویسندگان پرکار را می‌توان بازتابی از تمرکز نهادی و جغرافیایی پژوهش‌های مدیریت میراث در سطح جهانی دانست. در مقابل، در فهرست نویسندگان پرکار، نامی از پژوهشگرانِ دارای وابستگیِ سازمانی به ایران، مشاهده نمی‌شود. این یافته با نتایج بخش توزیع جغرافیایی کشورها هم‌خوان است؛ جایی که نشان داده شد از میان ۶۲۹ سند تحلیل شده، تنها ۱ سند با وابستگی سازمانی به ایران شناسایی شده و ایران در نقشه هم‌تألیفی کشورها نیز فاقد پیوند همکاری قابل مشاهده، بوده است. بنابراین، نبود نویسندگان ایرانی در میان نویسندگان پرکار را می‌توان نشانه‌ای از حضور محدود پژوهشگرانِ دارای وابستگی سازمانی به ایران در ادبیات بین‌المللی مدیریت میراث دانست. با این حال، این نتیجه صرفاً بر اساس داده‌های *اسکوپوس* و معیار تعداد انتشارات، تفسیر می‌شود و نمی‌تواند به‌تنهایی وضعیت کلی پژوهش‌های داخلی ایران در حوزه مدیریت میراث را نشان دهد. در مجموع، تحلیل نویسندگان پرکار نشان می‌دهد که تولید علمی در حوزه مدیریت میراث در سطح جهانی، تا حدی در میان گروهی از پژوهشگران فعال، متمرکز است. این نویسندگان، از طریق انتشار مستمر در موضوعاتی مانند مدیریت، حفاظت، سیاست‌گذاری، گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار میراث، در گسترش ادبیات علمی این حوزه نقش داشته‌اند. با وجود این، برای ارزیابی دقیق‌تر جایگاه علمی و میزان اثرگذاری آنان، لازم است که در پژوهش‌های تکمیلی، شاخص‌هایی مانند تعداد استنادها، میانگین استناد به هر سند، شبکه هم‌تألیفی نویسندگان و هم‌آیندی موضوعی آثار آنان نیز بررسی شود.

مقالات پراستناد: شالوده‌های استنادی حوزه مدیریت میراث

بررسی مقالات پراستناد در تحلیل‌های کتاب‌سنجی، یکی از روش‌های مهم برای شناسایی آثار اثرگذار و مسیرهای اصلی شکل‌گیری دانش در یک حوزه علمی است. مقالاتی که تعداد استناد بیشتری دریافت کرده‌اند، معمولاً نقش برجسته‌تری در توسعه مفاهیم، چهارچوب‌های نظری، رویکردهای روش‌شناختی یا کاربردهای عملی یک حوزه دارند. با این حال، باید توجه داشت که تعداد استنادها تنها یکی از شاخص‌های سنجش اثرگذاری علمی است و تفسیر آن باید با در نظر گرفتن عواملی مانند سال انتشار، حوزه موضوعی، نوع مقاله و میزان دسترسی‌پذیری آن، انجام شود. در پژوهش حاضر، مقالات پراستناد بر اساس داده‌های استخراج شده از پایگاه *اسکوپوس*، شناسایی و تحلیل شدند.

جدول ۳- پراستنادترین مقالات منتشر شده در حوزه مدیریت میراث

عنوان مقاله	نویسندگان و سال انتشار	نشریه	مجموع استنادها در *اسکوپوس*
Stakeholder collaboration and heritage management	Aas, C. et al, 2005	Annals of Tourism Research	۶۳۰
Western Hegemony in Archaeological Heritage Management	Byrne, D, *1991*	History and Anthropology	۲۳۴
Relationship between tourism and cultural heritage management: Evidence from Hong Kong	McKercher, B. et al, *2005*	Tourism Management	۲۲۹
Measuring links between cultural heritage management and sustainable urban development: An overview of global monitoring tools	Guzman, P.C. et al, *2017*	Cities	۲۲۵
Unfulfilled promises? Heritage management and community participation at some of Africa's cultural heritage sites	Chirikure, S. et al, *2010*	International Journal of Heritage Studies	۲۱۸
Community participation in cultural heritage management: A systematic literature review comparing Chinese and international practices	Li, J. et al, *2020*	Cities	۱۸۲
A framework for sustainable heritage management: A study of UK industrial heritage sites	Landorf, C. *2009*	International Journal of Heritage Studies	۱۷۵
Cultural heritage management and monitoring using remote sensing data and GIS: The case study of Paphos area, Cyprus	Agapiou, A. et al, *2015*	Computers, Environment and Urban Systems	۱۷۲
Community involvement in archaeology and cultural heritage management: An assessment from case studies in southern Africa and elsewhere	Chirikure, S., Pwiti, G. *2008*	Current Anthropology	۱۶۰
Cultural diversity, cultural heritage and human rights: Towards heritage management as human rights-based cultural practice	Logan, W. *2012*	International Journal of Heritage Studies	۱۴۲

الگوی کلی مقالات پراستناد (جدول ۳) نشان می‌دهد که آثار اثرگذار حوزه مدیریت میراث، حول چند جریان موضوعی متمرکز شده‌اند. بخشی از این آثار به ارتباط میان مدیریت میراث، گردشگری و همکاری ذی‌نفعان می‌پردازند و نشان می‌دهند که بهره‌برداری فرهنگی و گردشگری از میراث، یکی از مسیرهای مهم توسعهٔ این حوزه بوده است. بخش دیگری از مقالات، رویکردی نظری و انتقادی دارند و موضوعاتی مانند هژمونی غربی، گفتمان‌های مسلط، تنوع فرهنگی و حقوق بشر را در نسبت با مدیریت میراث بررسی می‌کنند. همچنین، مشارکت جوامع محلی و مدیریت فراگیر میراث، در چند مقاله پراستناد جایگاه برجسته‌ای دارد و نشان دهندهٔ اهمیت رویکردهای مشارکتی و نقد مدیریت بالا به پایین، در این حوزه است. در کنار این موارد، توجه به پایداری، برنامه‌ریزی شهری، پایش میراث و فناوری‌هایی مانند سنجش از دور و GIS نیز بیانگر حرکت ادبیات مدیریت میراث به سمت رویکردهای کاربردی‌تر و میان‌رشته‌ای است. در مجموع، تحلیل مقالات پراستناد نشان می‌دهد که شالودهٔ استنادی مدیریت میراث از ترکیب چند جریان اصلی شکل

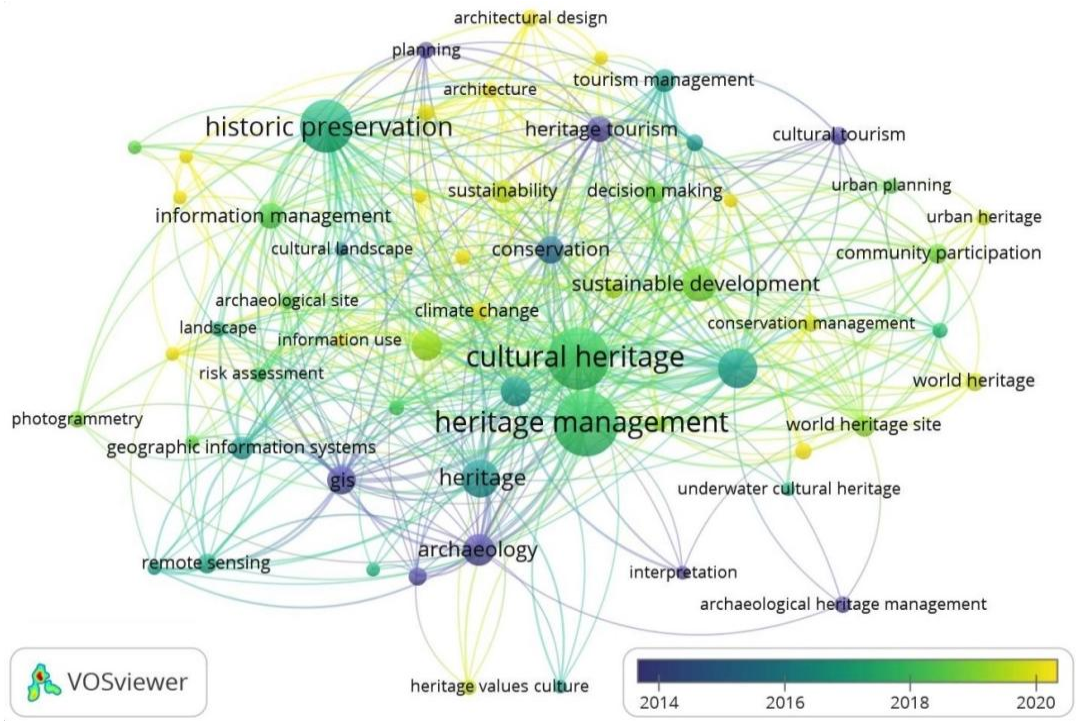
گرفته است: گردشگری و همکاری ذی‌نفعان، مباحث نظری و انتقادی، مشارکت جامعه، و رویکردهای مرتبط با پایداری، برنامه‌ریزی شهری و فناوری. این الگو با نتایج سایر بخش‌های پژوهش، از جمله توزیع حوزه‌های موضوعی و تحلیل واژگان کلیدی، هم‌راستاست و نشان می‌دهد که مدیریت میراث، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در پیوند میان علوم اجتماعی، گردشگری، مطالعات فرهنگی، برنامه‌ریزی شهری، توسعه پایدار و فناوری‌های مکانی است.

تحلیل هم‌آیندی واژگان

تحلیل هم‌آیندی واژگان، ابزاری بنیادین در کتاب‌سنجی است که امکان نقشه‌برداری دقیق از ساختار دانش و تحولات مفهومی در مطالعات مدیریت میراث را فراهم می‌آورد. با بررسی الگوهای فراوانی و هم‌آیندی کلیدواژه‌ها، می‌توان ارتباطات معنایی میان حوزه‌های تخصصی مختلف این رشته را آشکار کرده، مسیرهای پژوهشی غالب و تأثیرگذار در سطح جهانی را شناسایی نمود. در این پژوهش، تحلیل هم‌آیندی واژگان با هدف مشخص کردن ساختار مفهومی و جریان‌های پژوهشی اصلی در ادبیات جهانی مدیریت میراث، اجرا شده است. در نرم‌افزار *وُس‌ویور* از دو شاخص مهم استفاده شد: تعداد تکرار واژگان (با آستانهٔ تکرار حداقل ۱۸ بار برای اطمینان از اعتبار مفهومی) و قدرت کلی پیوندها (نشان دهندهٔ میزان ارتباط و هم‌ترازی هر واژه با سایر مفاهیم مرتبط). نتایج به دست آمده، مؤلفه‌های اصلی دانش و کانون‌های مفهومی شکل دهندهٔ مطالعات جهانی مدیریت میراث را روشن می‌سازد. جدول ۴، تعداد ۱۰ واژه پرتکرار و قدرت کلی پیوند آن‌ها را در این حوزه نشان می‌دهد و شکل ۸ نیز فراوانی و توزیع زمانی هر کلیدواژه را در طول روند جهانی مورد بررسی، به تصویر می‌کشد.

جدول ۴- واژگان پرتکرار و قدرت کلی پیوندها بر اساس تحلیل هم‌آیندی واژگان

رتبه	کلیدواژه	تکرار	قدرت کلی پیوند
۱	میراث فرهنگی	۹۲	۵۱۳
۲	حفاظت تاریخی	۶۸	۳۷۲
۳	مدیریت میراث	۱۰۵	۳۴۷
۴	حفاظت میراث	۴۰	۲۸۴
۵	توسعه پایدار	۳۲	۱۸۸
۶	مدیریت اطلاعات	۱۸	۱۵۰
۷	سیستم اطلاعات جغرافیایی	۲۲	۱۴۸
۸	گردشگری	۲۴	۱۴۰
۹	باستان شناسی	۲۷	۱۲۴
۱۰	گردشگری میراث	۲۰	۱۱۹



شکل ۸- شبکه‌سازی کلیدواژه‌های روند جهانی مطالعات مدیریت میراث

تحلیل هم‌آیندی واژگان بر اساس نتایج جدول ۴ و شکل ۸ نشان می‌دهد که ساختار مفهومی مطالعات مدیریت میراث، حول چند خوشه اصلی شکل گرفته است:

خوشه نخست را می‌توان «حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی» نام‌گذاری کرد. این خوشه با واژگانی مانند «میراث فرهنگی»، «مدیریت میراث»، «حفاظت تاریخی» و «حفاظت میراث» مشخص می‌شود. جایگاه مرکزی این واژگان، به‌ویژه قدرت کلی پیوند بالای «میراث فرهنگی» و «مدیریت میراث»، نشان می‌دهد که ادبیات جهانی این حوزه همچنان بر پیوند میان حفاظت، سیاست‌گذاری و مدیریت منابع میراثی، استوار است.

خوشه دوم با عنوان «پایداری، گردشگری و بهره‌برداری از میراث» قابل شناسایی است. در این خوشه، واژگانی مانند «توسعه پایدار»، «گردشگری» و «گردشگری میراث» حضور دارند. هم‌آیندی این مفاهیم نشان می‌دهد که مدیریت میراث در ادبیات جدید صرفاً به حفاظت فیزیکی محدود نیست، بلکه با موضوعاتی مانند بهره‌برداری پایدار، توسعه اقتصادی، مدیریت بازدیدکنندگان و کاهش تعارض میان حفاظت و گردشگری، پیوند خورده است. بنابراین، گردشگری میراث در این شبکه نه به‌عنوان حوزه‌ای جداگانه، بلکه به‌عنوان یکی از ابعاد کارکردی و مدیریتی میراث فرهنگی، ظاهر شده است.

خوشه سوم را می‌توان «فناوری‌های اطلاعاتی و مدیریت داده‌محور میراث» نامید. حضور واژگانی مانند «مدیریت اطلاعات» و «سیستم اطلاعات جغرافیایی» در میان واژگان دارای قدرت پیوندِ قابل توجه، نشان می‌دهد که ابزارهای

دیجیتال و سامانه‌های مکانی، به بخشی مهم از مطالعات مدیریت میراث تبدیل شده‌اند. این خوشه بیانگر حرکت ادبیات جهانی به سمت استفاده از داده‌های مکانی، پایش دیجیتال، مستندسازی، تصمیم‌گیری مبتنی بر داده و مدیریت یکپارچهٔ اطلاعات میراثی است.

خوشه چهارم با محوریت «باستان‌شناسی، منابع فرهنگی و ارزش‌های میراثی» قابل تفسیر است. واژه «باستان‌شناسی» و پیوند آن با مفاهیم مرکزی شبکه نشان می‌دهد که بخشی از مطالعات مدیریت میراث همچنان در ارتباط نزدیک با مدیریت منابع فرهنگی، شواهد باستان‌شناختی، ارزش‌های میراثی و حفاظت از محوطه‌ها و آثار تاریخی قرار دارد. این خوشه، نقش دانش باستان‌شناسی را در شکل‌گیری بنیان‌های نظری و اجرایی مدیریت میراث، برجسته می‌کند.

تحلیل توزیع زمانی واژگان در شکل ۸ نیز نشان می‌دهد که مفاهیم مرتبط با حفاظت و میراث فرهنگی، در دوره‌های اولیه جایگاه غالب داشته‌اند، در حالی که در سال‌های متأخرتر مفاهیمی مانند توسعه پایدار، مدیریت اطلاعات، سیستم اطلاعات جغرافیایی، مشارکت ذی‌نفعان، گردشگری میراث و مدیریت داده‌محور، برجسته‌تر شده‌اند. این الگو نشان دهندهٔ تحول تدریجی ادبیات مدیریت میراث از رویکردهای سنتی حفاظت‌محور به سمت رویکردهای یکپارچه، مشارکتی، فناورانه و آینده‌نگر است.

در مجموع، تحلیل هم‌آیندی واژگان نشان می‌دهد که مطالعات جهانی مدیریت میراث در چهار محور اصلی سازمان یافته‌اند: حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی، پایداری و گردشگری میراث، فناوری‌های اطلاعاتی و مدیریت داده‌محور و باستان‌شناسی و منابع فرهنگی. این ساختار مفهومی با نتایج سایر بخش‌های پژوهش، از جمله تحلیل مقالات پراستناد و توزیع حوزه‌های موضوعی، هم‌راستاست و نشان می‌دهد که مدیریت میراث، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که از تمرکز صرف بر حفاظت کالبدی، فاصله گرفته و به سمت الگوهای مدیریتی چندبعدی، مشارکتی و مبتنی بر داده، حرکت کرده است. از این منظر، نتایج تحلیل هم‌آیندی واژگان می‌تواند مبنایی برای ارزیابی جایگاه مطالعات داخلی و شناسایی خلأهای پژوهشی در مدیریت میراث فرهنگی ایران فراهم آورد.

توزیع موضوعی مطالعات میراث و مدیریت میراث در پایگاه *مگیران*

به‌منظور ترسیم تصویری اولیه از وضعیت تولیدات علمی فارسی در حوزه مطالعات میراث و مدیریت میراث، جست‌وجویی در پایگاه علمی *مگیران* انجام شد. باید توجه داشت که هدف از این بخش، انجام تحلیل شبکه‌ای یا استنادیِ هم‌سطح با داده‌های *اسکوپوس* نیست زیرا پایگاه *مگیران* از نظر ساختار داده، استانداردسازی فراداده‌ها، امکان استخراج استنادها، کلیدواژه‌ها و روابط شبکه‌ای، با پایگاه‌های بین‌المللی مانند *اسکوپوس* تفاوت دارد. بنابراین، تحلیل داده‌های *مگیران* در این پژوهش، ماهیتی توصیفی و اکتشافی دارد و صرفاً برای شناسایی وضعیت کلی انتشار مقالات فارسی و سنجش میزان توجه مستقیم به مفهوم «مدیریت میراث» به کار رفته است. در مرحله نخست، کلیدواژه عام

«میراث» در عنوان مقالات فارسی نمایه شده در پایگاه *مگیران* تا تاریخ ۱۰ دی ۱۴۰۴ جست‌وجو شد. دلیل استفاده از این کلیدواژه، شناسایی دامنه کلی مطالعات مرتبط با میراث در ادبیات فارسی و فراهم کردن زمینه‌ای برای مقایسه اولیه با تعداد محدودتر آثاری بود که به‌طور مستقیم به «مدیریت میراث» پرداخته‌اند. با این حال، از آنجا که واژه «میراث» دامنه معنایی گسترده‌ای دارد و همه مقالات بازیابی شده لزوماً در حوزه مدیریت میراث قرار نمی‌گیرند، این جست‌وجو صرفاً به‌عنوان مرحله اکتشافی اولیه، در نظر گرفته شد.

نتایج جست‌وجوی اولیه نشان داد که در مجموع ۲۹۷۲ عنوان مقاله با کلیدواژه «میراث» در عنوان بازیابی شده است. بر اساس دسته‌بندی ارائه شده در پایگاه *مگیران*، این مقالات در سه گروه نشریات تخصصی، نشریات علمی و نشریات عمومی قابل مشاهده بودند. در این دسته‌بندی، مبنای تفکیک، نوع نشریه و طبقه‌بندی ثبت شده در پایگاه *مگیران* است، نه ارزیابی مستقل نویسندگان. از میان مقالات بازیابی شده، ۱۷۴۵ عنوان مقاله در نشریات تخصصی، ۱۰۱۰ عنوان مقاله در نشریات علمی و ۲۱۷ عنوان مقاله در نشریات عمومی منتشر شده‌اند. برای افزایش دقت تحلیل و تمرکز بر تولیدات علمی قابل استناد، در ادامه تنها مقالات منتشر شده در نشریات علمی مورد توجه قرار گرفت و جامعه آماری این بخش به ۱۰۱۰ عنوان مقاله محدود شد. در میان این مقالات، ۸۱۸ مقاله در نشریات علمی مصوب، ۱۸۶ مقاله در نشریات فاقد رتبه و ۶ مقاله در نشریات علمی ـ ترویجی منتشر شده‌اند.

بررسی توزیع نشریات نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مقالات مرتبط با واژه «میراث»، در نشریات تخصصی حوزه‌های میراث فرهنگی، باستان‌شناسی، معماری، مرمت و شهرسازی منتشر شده‌اند. با توجه به اینکه این نتیجه بر اساس عنوان مقالات و نوع نشریات به دست آمده و تحلیل محتوایی کامل یا تحلیل کلیدواژه‌ای تفصیلی روی متن مقالات انجام نشده است، باید در تفسیر آن احتیاط کرد. با این وجود، این توزیع می‌تواند نشان دهندهٔ آن باشد که بخش مهمی از ادبیات فارسی مرتبط با میراث، در پیوند با حوزه‌های تاریخی، کالبدی، حفاظتی و مرمتی شکل گرفته است. در مقابل، حضور کمتر نشریات مرتبط با مدیریت، سیاست‌گذاری، حکمرانی و گردشگری در میان نتایج، می‌تواند نشانه‌ای اولیه از ظرفیت توسعه بیشتر رویکردهای مدیریتی و اجتماعی در مطالعات میراث باشد؛ هرچند تأیید قطعی این موضوع نیازمند تحلیل محتوایی یا کلیدواژه‌ای عمیق‌تر است.

در مرحله دوم، برای تمرکز مستقیم‌تر بر مفهوم «مدیریت میراث»، راهبرد جست‌وجو محدودتر شد و عبارت دقیق «مدیریت میراث» در عنوان مقالات فارسیِ نمایه شده در پایگاه *مگیران*، جست‌وجو گردید. استفاده از عنوان برای جست‌وجو، با هدف افزایش دقت و شناسایی آثاری انجام شد که مدیریت میراث را به‌طور مستقیم در کانون موضوعی خود قرار داده‌اند. نتایج این جست‌وجو نشان داد که تنها ۳۰ مقاله به‌طور مستقیم از عبارت «مدیریت میراث» در عنوان خود استفاده کرده‌اند. این تعداد محدود، در مقایسه با حجم گسترده‌تر مقالات دارای واژه عام «میراث»، نشان می‌دهد که مفهوم مدیریت میراث در ادبیات فارسی هنوز به‌صورت محدود و پراکنده مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این، باید توجه داشت که این عدد به معنای نبود کامل رویکردهای مدیریتی در سایر مقالات میراث نیست زیرا ممکن است

برخی مقالات بدون استفاده از عبارت دقیق «مدیریت میراث» در عنوان، به موضوعاتی مانند سیاست‌گذاری، حفاظت مشارکتی، برنامه‌ریزی، گردشگری میراث یا حکمرانی میراث پرداخته باشند. بنابراین، نتایج این بخش باید به‌عنوان نشانگری اولیه از میزان حضور صریح مفهوم «مدیریت میراث» در عنوان مقالات فارسی تفسیر شود، نه به‌عنوان برآورد نهایی از کل پژوهش‌های مدیریتی مرتبط با میراث در ایران.

در مجموع، داده‌های *مگیران* و *اسکوپوس* دو سطح متفاوت اما مکمل از شواهد را ارائه می‌کنند. داده‌های *مگیران* نشان می‌دهند که اگرچه مطالعات فارسی مرتبط با «میراث» از نظر تعداد قابل توجهند، اما کاربرد صریح مفهوم «مدیریت میراث» در عنوان مقالات، محدود است. از سوی دیگر، داده‌های *اسکوپوس* نیز نشان می‌دهند که سهم پژوهشگران وابسته به ایران در ادبیات بین‌المللی مدیریت میراث، بسیار اندک است. هم‌زمانی این دو یافته، می‌تواند نشانه‌ای از آن باشد که مدیریت میراث فرهنگی در ایران، با وجود ظرفیت‌های گستردهٔ موضوعی و میدانی، هنوز از نظر چهارچوب‌های نظری، روش‌های نظام‌مند، رویکردهای مدیریتی و حضور بین‌المللی، نیازمند توسعه بیشتر است. البته این نتیجه باید با توجه به محدودیت‌های داده‌های *مگیران* تفسیر شود زیرا این پایگاه از نظر پوشش نشریات، استانداردسازی کلیدواژه‌ها، اطلاعات استنادی، یکدستی فراداده‌ها و قابلیت استخراج روابط شبکه‌ای، با *اسکوپوس* قابل مقایسه نیست. همچنین جست‌وجو در عنوان مقالات، اگرچه دقت بازیابی را افزایش می‌دهد، اما ممکن است بخشی از مطالعات مرتبط را که از عبارت دقیق «مدیریت میراث» در عنوان استفاده نکرده‌اند، کنار بگذارد. از این رو، انجام تحلیل محتوایی و کلیدواژه‌ای مقالات فارسی در کنار استفاده از سایر پایگاه‌های داخلی، می‌تواند در پژوهش‌های آینده تصویر دقیق‌تری از وضعیت مطالعات مدیریت میراث در ایران، ارائه کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد نظام‌مند کتاب‌سنجی و تحلیل شبکه‌های علمی، روند تحول مطالعات بین‌المللی مدیریت میراث فرهنگی و وضعیت تولید دانش داخلی در این حوزه را بررسی کرد. تحلیل ۶۲۹ سند نمایه شده در پایگاه *اسکوپوس*، تصویری منسجم از تحول زمانی، موضوعات غالب، شبکه‌های هم‌تألیفی، کانون‌های جغرافیایی و مفاهیم برجستهٔ این حوزه، ارائه داد. یافته‌ها نشان داد که ادبیات جهانی مدیریت میراث فرهنگی طی دهه‌های اخیر از یک رویکرد غالباً حفاظت‌محور، به سوی رویکردهای مشارکتی، سیاست‌محور، داده‌محور و میان‌رشته‌ای حرکت کرده است. برجستگی مفاهیمی مانند مدیریت مشارکتی، حکمرانی میراث، توسعه پایدار، گردشگری میراث و فناوری‌های مکانی، بیانگر این گذار مفهومی است. از منظر جغرافیای علم، نتایج نشان داد که تولید دانش در این حوزه عمدتاً در چند قطب دانشگاهی به‌ویژه در اروپا متمرکز شده و شبکه‌های هم‌تألیفی نسبتاً پایداری میان پژوهشگران این کشورها شکل گرفته است. در مقابل، حضور پژوهشگران ایرانی در این شبکه‌ها محدود و پراکنده بوده است؛ امری که می‌تواند ناشی از شکاف‌های نهادی، محدودیت همکاری‌های بین‌المللی و تمرکز موضوعی محدود بر مباحث مدیریتی باشد.

بررسی داده‌های پایگاه *مگیران* نیز با وجود ماهیت توصیفی آن، نشان داد که حجم قابل توجهی از مطالعات فارسی مرتبط با میراث فرهنگی منتشر شده است، اما سهم پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم بـه «مـدیریت میـراث» پرداخته‌انـد، بسیار اندک است. این یافته، با نتایج *اسکوپوس* هم‌راستاست و شکاف میان ادبیات جهانی و تولید دانش داخلی را تأیید می‌کند. تحلیل تطبیقی داده‌های بین‌المللی و داخلی، چهار محور اصلی از خلأهای پژوهشی و مفهومی مدیریت میـراث در ایران را آشکار کرد:

۱. غلبهٔ رویکردهای غیرمدیریتی در بخش قابل توجهی از مطالعات داخلی مشاهده می‌شود. داده‌های به‌دسـت‌آمده از پایگاه *مگیران* نشان می‌دهد که اگرچه حجم مطالعات مرتبط با میراث فرهنگی در ایران قابل توجه است، امـا بخـش عمده این مطالعات بیشتر در پیوند با حوزه‌هایی مانند تاریخ، باستان‌شناسی، معماری، مرمت و حفاظت کالبدی است. این امر نشان می‌دهد که در ادبیات داخلی، میراث فرهنگی همچنان عمدتاً به‌عنوان موضوعی تاریخی، حفاظتی یـا کالبـدی بررسی شده و کمتر به‌مثابه یک حوزه مـدیریتی، نهـادی و تصـمیم‌محور، مـورد توجـه قـرار گرفتـه اسـت. در نتیجـه، موضوعاتی مانند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، پایش، ارزیابی، تصمیم‌گیری و مدیریت بلندمدت میراث فرهنگی، در مقایسه با ابعاد فنی و توصیفی آن، جایگاه محدودتری در پژوهش‌های داخلی دارند.

۲. کمبود مطالعات کاربردی و سیاست‌محور، یکی دیگر از شکاف‌های مهم در ادبیات مدیریت میراث ایران است. یافته‌های پژوهش نشان داد کـه در ادبیـات جهـانی، مـدیریت میـراث فرهنگـی به‌تـدریج بـا مباحـث سیاسـت‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت داده‌محور و تصمیم‌سازی نهادی پیوند خورده است اما در مطالعـات داخلـی، آثـار کمتـری دیـده می‌شـود کـه بتواننـد مفـاهیم نظـری را بـه مـدل‌های اجرایـی، شـاخص‌های ارزیـابی، دسـتورالعمل‌های مـدیریتی یـا چهارچوب‌های قابل استفاده برای نهادهای متولی میراث، تبدیل کنند. از این منظر، یکی از خلأهای اصلی ادبیات ایران، فاصله میان بحث‌های نظری درباره اهمیت میراث و نیازهای عملی مدیریت آن در سطح محوطه‌ها، شهرها، سازمان‌ها و سیاست‌های ملی است. این وضعیت نشان می‌دهد که پژوهش‌های آینده باید بیشتر بر تولید ابزارهای تحلیلی و کاربردی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری در مدیریت میراث، تمرکز کنند.

۳. فقدان تحلیل‌های عمیق در حوزه حکمرانی میراث و ابعاد اجتماعی ـ مشارکتی، از دیگـر نتـایج مهـم پـژوهش است. در ادبیات بین‌المللی، مفاهیمی مانند مشارکت ذی‌نفعان، نقش جوامع محلی، همکـاری میـان نهادهـا و مـدیریت مشارکتی، به‌عنوان عناصر مهم مدیریت میراث مطرح شده‌اند. در مقابل، در ادبیات داخلی، ایـن ابعـاد کمتـر به‌صـورت نظام‌مند و تحلیلی بررسی شده‌اند. بسیاری از پژوهش‌های داخلی بیشتر بر خود میراث، ویژگی‌های تاریخی یا ضرورت حفاظت از آن تمرکز دارند و کمتر به این می‌پردازند که چه کسانی در فرایند تصمیم‌گیری درباره میـراث نقـش دارنـد، روابط میان نهادهای مسئول چگونه شکل می‌گیرد، جوامع محلی چگونه در فرایند مـدیریت مشـارکت داده می‌شـوند و تعارض منافع میان ذی‌نفعان چگونه مدیریت می‌شود. از این رو، توجه به سازوکارهای حکمرانی، مسئولیت‌پذیری نهادی و مشارکت اجتماعی می‌تواند یکی از مسیرهای مهم توسعه مطالعات مدیریت میراث در ایران باشد.

۴. ضعف پیوند میان میراث و توسعه پایدار در مطالعات داخلی قابل مشاهده است. یافته‌های بین‌المللی نشان داد که مفاهیمی مانند توسعه پایدار، گردشگری میراث و برنامه‌ریزی شهری، در شبکهٔ مفهومی مدیریت میراث جایگاه برجسته‌ای دارند. این موضوع نشان می‌دهد که در ادبیات جهانی، میراث فرهنگی صرفاً به‌عنوان موضوعی برای حفاظت تلقی نمی‌شود، بلکه در ارتباط با برنامه‌ریزی توسعه، کیفیت زندگی، هویت مکانی و بهره‌برداری پایدار نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در مقابل، در ادبیات داخلی، پیوند میان مدیریت میراث و رویکردهای توسعه‌گرا هنوز به اندازه کافی پررنگ نیست. به بیان دیگر، کمتر به این مسئله پرداخته شده است که چگونه می‌توان میان حفاظت از ارزش‌های فرهنگی و نیازهای توسعه‌ای، گردشگری، شهری و اجتماعی تعادل برقرار کرد. بنابراین، یکی از اولویت‌های آیندهٔ پژوهش در ایران می‌تواند بررسی نقش میراث فرهنگی در برنامه‌ریزی پایدار و مدیریت متوازن میان حفاظت و بهره‌برداری باشد.

این چهار محور نشان می‌دهند که شکاف‌های موجود در مطالعات مدیریت میراث ایران صرفاً به کمبود تعداد مقالات محدود نمی‌شود، بلکه به جهت‌گیری مفهومی و رویکردی پژوهش‌ها نیز مربوط است. به عبارت دیگر، داده‌های پژوهش نشان می‌دهند که ادبیات داخلی هنوز بیش از آنکه بر مدیریت، حکمرانی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی میراث متمرکز باشد، بر جنبه‌های توصیفی، تاریخی، کالبدی و حفاظتی آن تأکید دارد. از این رو، این شکاف‌ها را می‌توان به‌عنوان «الگوهای مکرر» در مطالعات داخلی در نظر گرفت که مبنایی برای اولویت‌بندی پژوهش‌های آینده و جهت‌دهی به مطالعات نظام‌مندتر در حوزه مدیریت میراث فرهنگی ایران، فراهم می‌کنند.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش نیز مانند همه مطالعات کتاب‌سنجی، با محدودیت‌هایی همراه است. پایگاه *اسکوپوس* علی‌رغم جامعیت، تمام تولیدات علمی جهانی را پوشش نمی‌دهد و داده‌های *مگیران* نیز به دلیل محدودیت در استانداردسازی فراداده‌ها، نبود اطلاعات استنادی و امکان محدود تحلیل شبکه‌ای، صرفاً برای تحلیل توصیفی مورد استفاده قرار گرفتند. همچنین تمرکز بر عنوان مقالات در جست‌وجوی داده‌های داخلی، ممکن است برخی پژوهش‌های مرتبط را از قلم انداخته باشد. تفسیر یافته‌ها باید با توجه به این محدودیت‌ها انجام شود.

پیشنهادهای سیاستی و پژوهشی

با توجه به نتایج پژوهش، چند مسیر اصلی برای توسعه مطالعات و بهبود مدیریت میراث فرهنگی در ایران قابل پیشنهاد است:

۱. تقویت رویکردهای مدیریتی، نهادی و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ضروری است زیرا یافته‌ها نشان داد که بخش قابل توجهی از مطالعات داخلی، بیشتر بر ابعاد تاریخی، کالبدی و حفاظتی تمرکز داشته‌اند و کمتر به تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی، ارزیابی عملکرد و مدیریت نهادی میراث پرداخته‌اند.

۲. طراحی مدل‌های بومی مدیریت میراث فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد؛ مدل‌هایی که ضمن بهره‌گیری از تجربه‌های بین‌المللی، با ساختارهای سازمانی، قانونی، فرهنگی و اجتماعی ایران سازگار باشند و بتوانند برای مدیریت محوطه‌ها، بناها، بافت‌های تاریخی و میراث ناملموس به کار روند.

۳. گسترش همکاری‌های میان‌رشته‌ای و بین‌المللی می‌تواند به ارتقای کیفیت و اثرگذاری پژوهش‌های داخلی کمک کند. مدیریت میراث، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است و به پیوند میان باستان‌شناسی، معماری، مرمت، مدیریت، گردشگری، برنامه‌ریزی شهری، علوم اجتماعی و فناوری‌های مکانی نیاز دارد.

۴. انجام مطالعات کاربردی در زمینهٔ ارزیابی عملکرد، حکمرانی میراث، مدیریت مشارکتی و تحلیل‌های داده‌محور می‌تواند شکاف میان پژوهش دانشگاهی و نیازهای اجرایی را کاهش دهد و ابزارهای دقیق‌تری برای تصمیم‌گیری در اختیار نهادهای متولی قرار دهد. در نهایت، توسعهٔ پژوهش‌های مرتبط با پیوند میراث فرهنگی، توسعه پایدار، گردشگری میراث و برنامه‌ریزی شهری ضروری است زیرا این موضوعات در ادبیات جهانی برجسته‌اند، اما در مطالعات داخلی هنوز به اندازه کافی گسترش نیافته‌اند. در مجموع، این مسیرها می‌توانند به کاهش فاصله میان ادبیات داخلی و جریان‌های غالب جهانی کمک کرده، زمینه را برای تقویت بنیان‌های نظری، کاربردی و نهادی مدیریت میراث فرهنگی در ایران فراهم سازند.

درصد مشارکت نویسندگان

درصد مشارکت نویسندگان در این پژوهش به صورت برابر می باشد.

تعارض منافع

این مقاله، پژوهشی مستقل است که بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده و در حال حاضر هیچ‌گونه تعارض منافعی ندارد.

منابع

اسماعیلی مهیاری، مصطفی؛ ایرانی، حمیدرضا؛ نورمندی‌پور، وحید. (۱۴۰۲)، «مرور کتاب‌سنجی بر پژوهش‌های گردشگری مذهبی»، *مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۸(۶۱)، ۱۶۸-۱۳۹. https://doi: 10.22054/tms.2023.73129.2821

توحیدی، فائق (۱۳۸۱)، «آشنایی با میراث فرهنگی» (آموزش عمومی)، تهران، سبحان نور.

حجت، مهدی (۱۳۸۰)، «میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی»، سازمان میراث فرهنگی کشور.

خانعلی، حمید؛ طالبیان، محمدحسن؛ پورکریمی، پرویز؛ دانشور وثوقی، مریم. (۱۴۰۴)، «شناسایی مولفه‌های موثر بر وضعیت آینده مدیریت میراث فرهنگی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۴(۵۵):۱۴۱-۱۰۹. https://doi.org/10.22080/jtpd.2025.28336.3955

صمدی رندی، یونس (۱۳۸۳)، «مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات سازمان میراث فرهنگی کشور»، تهران، معاونت معرفی و آموزش، اداره کل آموزش انتشارات و تولیدات فرهنگی.

Adegoriola, M. I., Lai, J. H. K., Chan, E. H., & Darko, A. (*2021*). «Heritage building maintenance management (HBMM): A bibliometric-qualitative analysis of literature». *Journal of Building Engineering*, *42*, Article *102416*. https://doi.org/10.1016/j.jobe.2021.102416

Aria, M., & Cuccurullo, C. (*2017*). «Bibliometrix: An R tool for comprehensive science mapping analysis». *Journal of Informetrics*, 11(4), 959–975. https://doi.org/10.1016/j.joi.2017.08.007

Beer, J. D., & Boogaard, F. (*2017*). «Good practices in cultural heritage management and the use of subsurface knowledge in urban areas», *Procedia Engineering*, 209, 34–41. https://doi.org/10.1016/j.proeng.2017.11.127

Chen, S., Xu, Z., Wang, X., & Škare, M. (*2022*). «A bibliometric analysis of natural disasters and business management in tourism». *Journal of Business Economics and Management*, 23(2), 305-326. https://doi.org/10.3846/jbem.2022.16388

Donthu, N., Kumar, S., Mukherjee, D., Pandey, N., & Lim, W. M. (*2021*). «How to conduct a bibliometric analysis: An overview and guidelines». *Journal of Business Research*, 133, 285–296. 10.1016/j.jbusres.2021.04.070

Drummond, S., & Yeoman, I. (*2001*). *Quality Issues in Heritage Visitor Attractions*, First edition, Oxford, Butterworth-Heinemann.

Gomaa, A. A. (*2022*). «Cultural Heritage Management and Sustainable Tourism in Historical Cities (Case study: Durrat Al Nil Park, Station Square and the old tourist market in the historical Aswan City – Egypt)», *Engineering Research Journal (ERJ)*, 1(51), 138-157. https://erjsh.journals.ekb.eg/article_224321_0d291299be19327b278cde7ee9c01938.pdf

Jureniene, V., & Radzevicius, M. (*2014*). «Models of Cultural Heritage Management». *Transformations in Business & Economics*, 13(2), 236-256. https://www.researchgate.net/publication/295421974

Khan, M. A., & Guleria, S. (*2024*). «Mapping the landscape of heritage management research: A bibliometric analysis». *Educational Administration: Theory and Practice*, 30(5), 7829–7838. https://doi.org/10.53555/kuey.v30i5.4245.

Khan, M. A., & Guleria, S. (*2024*). «A Bibliometric Study Analyzing Research Contributions And Patterns In Heritage Conservation». *Educational Administration: Theory and Practice*, *30*(4), 5870–5880. https://doi.org/10.53555/kuey.v30i4.2307

Liorančaitė-Šukienė, A., & Jurėnienė, V. (*2025*). «Heritage Management Models for Sustainable Community Tourism Development». *Tourism and Hospitality*, 6(2), 111. https://doi.org/10.3390/tourhosp6020111

Liu, J., Wei, W., Zhong, M., Cui, Y., Yang, S., & Li, H. (*2023*). «A bibliometric and visual analysis of hospitality and tourism marketing research from *2000–2020». Journal of Hospitality and Tourism Insights*, 6(2), 735-753. https://doi.org/10.1108/JHTI-10-2021-0277

Mohamed, B., & Marzouk, M. (*2023*). «Bibliometric analysis and visualisation of heritage buildings preservation». *Heritage Science*, 11(1), Article 101. https://doi.org/10.1186/s40494-023-00947-y

Mongeon, P., & Paul-Hus, A. (2016). «The journal coverage of Web of Science and Scopus: A comparative analysis». *Scientometrics*, 106(1), 213–228. https://doi.org/10.1007/s11192-015-1765-5

Omayio, E.O., Sreedevi, I., & Panda, J. (*2021*). «Introduction to Heritages and Heritage Management: A Preview. In: Mukhopadhyay, J., Sreedevi, I., Chanda, B., Chaudhury, S., Namboodiri, V.P. (eds)» *Digital Techniques for Heritage Presentation and Preservation. Springer, Cham*. https://doi.org/10.1007/978-3-030-57907-4_1

Pisolkar, Y. (*2024*). «Cultural Heritage Management and Sustainable Development: Major Themes and Research Trajectories». *Electrical Systems*, 20(6s), 2417–2431. https://doi:10.52783/jes.3224

Pranckutė, R. (*2021*). «Web of Science (WoS) and Scopus: The titans of bibliographic information in today's academic world». *Publications*, 9(1), 12. https://etalpykla.vilniustech.lt/handle/123456789/151731

Skačkauskienė, I. (*2022*). «Research on management theory: A development review and bibliometric analysis». *Problems and Perspectives in Management*, 20(2), 335–347. https://doi.org/10.21511/ppm.20(2).2022.28

Smith, M. K. (*2003*). *Issues in Cultural Tourism Studies*, First edition, London, Routledge.

Timothy, D. J. (*2011*). «Cultural Heritage and Tourism: An Introduction, Bristol, Channel View Publications».

Ugong, N, A. (*2024*). «Sustainable cultural heritage management: a case study in Sarawak, Malaysia», *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*. © Emerald Publishing Limited, 2044-1266. https://doi: 10.1108/JCHMSD-04-2023-0036.

UNESCO. (2013). «Managing cultural world heritage». United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, Paris, France.

Vlase, I., & Lähdesmäki, T. (*2023*). «*A* Bibliometric Analysis of Cultural Heritage Research in the Humanities: The Web of Science as a Tool of Knowledge Management». *Humanities and Social Sciences Communications*, 10, 84. https://doi.org/10.1057/s41599-023-01582-5

Van Eck, N. J., Waltman, L. (*2014*). «Visualizing Bibliometric Networks. In: Ding, Y., Rousseau, R., Wolfram, D. (eds)» *Measuring Scholarly Impact.* Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-10377-8_13

Van Eck, N. J., & Waltman, L. (*2022*). *VOSviewer Manual: Manual for VOSviewer Version* 1.6.18 [Manual].

Zhang, Y., Kaya, D. I., & Wesemael, P. V. (*2024*). «An Assessment Framework for Digital Participatory Practices Engaging Youth in Cultural Heritage Management». *Journal of Cultural Heritage*, 70, 408–421. https://doi.org/10.1016/j.culher.2024.10.014.

Zupic, I., & Čater, T. (*2015*). «Bibliometric methods in management and organization». *Organizational Research Methods*, 18(3), 429–472. https://doi.org/10.1177/1094428114562629